

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید

هموطنان مبارز!  
از مبارزات برحق دانشجویان  
برای بازگشایی دانشگاهها  
حمایت کنید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

پنجشنبه ۲۵ دیماه ۱۳۵۹

سال دوم - شماره ۹۳

Iranische Bibliothek in Hannover

# “لایحه قانونی قصاص قانونی بغایت ارتجاعی و توطئه‌ای علیه ابتدائی‌ترین حقوق توده‌ها

نداریم. قوانین تازه‌ای تدوین شده که با بددین مجلس تصویب شود و پیریز روز بخشی از آنها که با یدیه مجلس فرستاده شود در اختیار روزیردا دگستری گذارده شد. (جمهوری اسلامی ۲۲ با نمره‌ها تاکید زماست) بقیه در صفحه ۱۱

آقای بهشتی رئیس دیوان عالی کشور در ۲۱ با نمره ۵۹ در مطبوعات در رابطه با تدوین قوانین جدید چنین گفت: “میدانید هنوز در نظام قضائیمان همه آنچه را که لازم داریم، در اختیار

## مبارزه برای بازگشایی دانشگاهها را گسترده‌تر کنیم

در حالیکه بیش از دو سال از ۲۳ دیماه ۵۷، روز بازگشایی دانشگاهها در دوران رژیم سرنگون شده شاه میگذرد، باز دیگر دانشجویان و استادان انقلابی و آگاه برای بازگشایی دانشگاهها و تحقق حقوق دمکراتیک خویش مبارزات خود را گسترش میدهند.

همه مردم کشتار دانشجویان انقلابی را در اردیبهشت ماه سال جاری توسط نیروهای مسلح جمهوری اسلامی و جماعت بدستان اوپاش بیاد دارند، در این ماه هنگامی که رژیم جمهوری اسلامی، سازمانهای دانشجویی و فعالیتهای آنها را برای خویشتن غیرقابل تحمل یافت، تحت‌بانه “انقلاب فرهنگی” و با یک طرح ریش‌تعمین شده توسط حزب جمهوری اسلامی، دست به آنچنان سرکوب خونین و وسیع در سراسر دانشگاهها زد که طی آن چند تن از دانشجویان مبارز شهید و دهها تن از آنان مجروح شدند.

این اقدام ضد خلقی که نقطه عطفی در سرکوب مبارزات دانشجویی توسط هیئت حاکمه محسوب میگردد با وضوح تمام نشان داد که حکومت جمهوری اسلامی نه تنها از فعالیت سیاسی دانشجویان که همواره نقش بسیار موثری در تاریخ مبارزات دمکراتیک - خدا میریالیستی توده‌ها داشته است در هر اسامی شاد بلکه حتی در برابر مبارزات صنفی دانشجویان نیز بسلاح سرکوب و ترور متوسل میشود. بدیهی است که این سیاست جزئی از سیاست کلی حاکمیت در رابطه با مطالبات بقیه در صفحه ۲

**مخالف امپریالیستی  
با شایعه پراکنشی و دروغ  
پرداز علی‌جنبش مقاومت  
خلق کرد توطئه می‌کنند**  
صفحه ۱۶

از نظر  
**آیت‌الله خمینی  
غاصب کیست؟**

آیت‌الله خمینی روز پنجشنبه ۱۸ دیماه در دیدار با عده‌ای از دانشجویان تربیت معلم سخنانی ایراد کرد و در پایان سخنان خود گفت: “من اعلام میکنم که هر کس به من نسبت بدهد مطلقاً را که بر خلاف دستورات اسلامی است دروغ گفته است و هر کس که بمن نسبت بدهد که من از من هستم به اینکه یک وجب از زمین مردم غصب بشود بر خلاف موازین اسلامی اخذ بشود و یا یک شاهی از مردم گرفته بشود و ممانده شود موازین اسلامی نداشته باشد و یا بشود یا ممانده شود بر خلاف اسلامی و یا بقیه در صفحه ۱۵

**دهها هزار نفر از مراسم  
۲۳ دی استقبال کردند**  
در صفحه ۱۵

**در این شماره:**

- اخبار کارگری
- مردم چه میکنند، مردم چه میخواهند؟
- برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران (اخراج و تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق را بپاداریم

● **“بنیاد خدمات مالی”  
به مثابه نهادی در خدمت  
حزب جمهوری اسلامی  
و جایگزین بانک اسلامی**  
صفحه ۸

رفقا  
**هواداران با کمکهای مالی  
خود سازمان را در پیشبرد  
امر انقلاب یاری رسانید!**

**نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و  
پایگاه د اخلیش**

### مبارزه برای بازگشائی...

بقیه از صفحه ۱

دمکراتیک توده‌هاست. در واقع هر رژیمی که با هرگونه آزادی سیاسی و حقوقی دمکراتیک اجتماعی توده‌ها درستی‌ز بوده، هر صدای آزادیخواهان و هر جنبش واقعا انقلابی توده‌ای را با خدعه و فریب مها رکرده و یا با آنها جسم نیروهای مسلح خویش پاسخ داده باشد، چنین رژیمی نمیتواند بر احوالی شاهد فعلیتهای آزادی‌دو دمکراتیک سازمانهای مربوط به دانشجویان و استادان انقلابی نیز باشد.

حزب جمهوری اسلامی که مدتهاست از ملحق کردن اکثریت دانشجویان به خود و یا حتی حفظ همان پایگاه‌های که در ابتدا در میان دانشگاہیان داشته نامیدگشته است اکنون تمام تلاش خود و قدرت تبلیغاتی ارگانهای رژیم را بخدمت گرفته است تا با وارونه جلوه دادن اقدامات دانشجویان و استادان توده‌ها را فریب داده و با منتسب ساختن مبارزات دانشجویان به امپریالیسم و با حکومت عراق، زمینهای سرکوب و بخاک و خون کشیدن دانشجویان را فراهم آورد.

هم اکنون اکثر مطبوعات دولتی که طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند بیک بار دیگر موج تبلیغاتی بیشرمانه‌ای را در مورد دانشجویان مبارز و بی‌بیگانه دانشجویان کمونیست بر اه انداخته اند در اکثر این تبلیغات، مثل همیشه کوششهای مذبح‌انه‌ای میشود تا نشان داده شود که گویا مبارزه دانشجویان و استادان انقلابی قسمتی از طرح ویرانه‌ها با اصطلاح "بر قدرت‌ها" بوده و بدستور آنان صورت میگیرد.

اما اینگونه تبلیغات که مشابهتهای فراوانی با تبلیغات رژیم منور شاه در مورد مبارزات دانشجویی دارد برای انبوه وسیعی از توده‌های مردم، شناخته شده و مضحک است. آنها در تجربه دو ساله اخیر و در عرصه‌های مختلف مبارزه و زندگی

روزمه خویش، شاهد تبلیغات دروغین و وقیحانه حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند در نتیجه چنین تبلیغاتی تنها ما یسه رسوائی و افشای بیش از پیش ما هیئت واقعی حزب جمهوری اسلامی خواهیم شد. از سوی دیگر لیبرالها که تا دیروز از کشتار و سرکوب همه جانبه دانشجویان حمایت کرده و خودیانه‌های سیا حزب جمهوری را برای سرکوب فرا میخواندند، اینک که قدرت مسلط حزب جمهوری اسلامی را در برابر خود می بینند، کم‌کم فریب و جانب‌داری را کنار می‌گذارند و خواهان بازگشائی دانشگاہها هستند؛ آنها که دانشگاہ را برای تربیت متخصص و متخصصین را برای خدمت به سرمایه‌داران و دوشیدن گران گران و زخم‌تنگان میخواندند و آناله سخن از نابود شدن سرمایه‌گذاری دولت در دانشگاہها سردا ده‌اند.

استدلال آنها در برابر حزب جمهوری اسلامی این است که دولت مخسارچ و سرمایه‌های کلانی را برای ایجاد دوباره انداختن دانشگاہها به کشور صرف کرده و بستن دانشگاہها برای مدت نامعلوم نه تنها به تولید جامعه و با بیزان دیگر به سودهای ناشی از استثماری رگاران لطمه میزند، بلکه با لاترو مهم‌تر از آن، پایه‌های اجتماعی نیروهای انقلابی و مترقی را گسترش داده و برای آبنسده حا کمیت سرمایه‌داران را دچار مخاطرات جدی خواهد کرد.

در شرایط کنونی لیبرالها دانشجویان را تشویق به ایستادگی در مقابل جماعت بدستار حزب الهی میکنند، اما تنها بشرطی که این مبارزات با شعار "بسی صدر حمانت میکنیم" صورت گیرد، برای لیبرالها، باز شدن دانشگاہها بمعنی ادامه فعالیت دستگاہی است که بطور مداوم کالای "متخصص" را تولید و با ز تولید میکند. در دانشگاہها دانشجویان مجازند که از عقاید سیاسی خود سخن بگویند اما این آزادی سیاسی و استقلال عقاید چنانچه از محدوده‌های معین فراتر رفته و به نیروی مادی و محرکی در گسترش مبارزات کارگران و زخم‌تنگان تبدیل گردد آنگاه از نظر لیبرالها "امنیت"

پورتنویستهای راست و از جمله "کمیت مرکزی" و حزب توده در رابطه با هر مساله مربوط به دمکراسی مطرح میکنند.

پاسخ ما چیست؟ به عقیده ما، ایستادن استدلالات بدو دلیل مردود است. اگر خلاصه سخن بگوئیم اولاً این دلیل که با دست شستن از مبارزه برای دمکراسی و نیز عدم حمایت از جنبشهای دمکراتیک اقصا ر غیر پرولتر، به یکی از نیازهای اساسی و مطلقاً ضروری طبقه کارگر برای کسب آگاهی سوسیالیستی و متشکلسا ختن خود پشت پا زده و عملاً طبقه کارگر را به دنباله‌روی از بورژوازی فاسد میخوانند و ثانیا آنکه علیرغم موضع به ظاهر ضد لیبرالی، با عدم شرکت در مبارزات دمکراتیک توده‌ای و حتی مقابله با آن، یعنی مقابله با یکی از خصوصیات اساسی و لاینفک از انقلاب ایران، میدان مبارزه برای دمکراسی را تقدیم لیبرالها کرده و جنبش دمکراتیک را دست و پا بسته در زیر پای لیبرالها قریبانی میکنند! پورتنویست با درپیش گرفتن این سیاست عملانه در جهت مقابله با لیبرالها بلکه در راستای تقویت آنان حرکت میکنند.

#### توضیح و تصحیح

در شماره ۹۳ در مطلب جنک، کارگران و... شورا گفته شده "با تمام قوا مواظب بودند تا مبادا عناصر مترقی وارد بسیج گردند" منظور از این جمله در واقع نشان دادن جو حاکم بر این ارگان است که علاوه بر ممانعت از ورود عناصر مترقی که مخالف حرکتها، قشری حاکم بر بسیج بودند حتی از ورود جریانهایی که بدفاع مستقل توده‌ای اعتقاد نداشتند جلوگیری میکرد. درستون سوم دوسطر بالاخرین از "به افشای تمام عوامل ضد شورایی در این مبارزه" افتاده است؛ اکنون زمان تهاجم شوراهاست، تهاجم هر چه بیشتر در جهت نظارت و دخالت در تمام مسائل جاری... در شماره ۸۹ در شرحی که در باره رفیق شهید هادی اشکانی نوشته شده بود نام رفیق اشکانی چاپ شده بود، ضمناً باید تذکر دهیم که بدراین رفیق شهید پیشنام مسجد سنی‌های آبادان است.

سال ۵۷:

- سیل پرورش خلق درهای بسته دانشگاه را گشود.
- دانشگاه به سنگر آگاهی بخش جنبش - انقلابی خلق بدل گشت.
- توده‌ها دانشگاه را "سنگر آزادی" خواندند.

امسال:

- دانشگاه روز اول اردیبهشت با تائید بنی صدر مورد هجوم پاسداران و اوباشان حزب جمهوری اسلامی قرار گرفت و درهایش بسته شد.
- دانشجویان انقلابی در زندان و زیر شکنجه آمدند.
- سران جمهوری اسلامی دانشگاه را "مرکز فساد" می‌خوانند.

سرکوبگرهای حزب جمهوری اسلامی و آزادیخواهی دروغین لیبرالها را افشاء کنیم و با تائید پر "بازگشائی دانشگاہها... ۲۳ دی رابه نقطه عطفی در جنبش دانشجویی بدل سازیم.



# اخبار کارگری

## حیله کهنه سرمایه داری در شوکومارس

مدیریت برای آنکه حق اضافه کاری را نپردازد از این حیله را بکار میبرد که از طرفی به سرپرستان پاداش اضافی میدهد تا آنها شدت کار را بالا ببرند و تولید را در ساعات معمولی کار بقدری افزایش دهند که احتیاجی به اضافه کاری کارگران در روزهای پنجشنبه نباشد، و از طرف دیگر سرپرستان سمپاشی می کنند که این کارگران جدید باعث شده اند که کارگران قدیمی اضافه کاری نکنند. در حقیقت، این حیله قدیمی سرمایه داران را مدیریت و سرپرستان شوکومارس برای ایجاد تفرقه در بین کارگران به کار گرفته اند تا هم به تولید دلخواه رسیده باشند و هم کارگران قدیمی و جدید مقابل یکدیگر قرار بگیرند.

## دزدکارخانه چوکا

رئیس پاسداران کارخانه چوکا بنام "حمیدی" که اهل اردبیل است دوستگانه ها، تومبیل لندون و چوکا را بسرقت برده و در اردبیل فروخته است. پس از مدتی، بعثت فشار کارگران، مدیریت کارخانه مجبور شد تا مبرده را اخراج کند. این شخصی اکنون رئیس پاسداران اردبیل شده است!!!

## توطئه جدید علیه صیادان انرژی

فرماندها سابق و مدیرعامل شیلات که همه او را بعنوان عنصری خود فروخته می شناسند اخیرا بلافاصله پس از تصاحب مقام جدید، صید با دام ثابت را غیر قانونی اعلام کرده و اظهار داشته است که هدفش از میان بردن صید آزاد است. این شخص تصمیم دارد پول جمع شده از ثبت نام صیادان را (که برای شناسایی آنان بعنوان صیادان خنثی شده است) از حساب آنان خارج کرده و به جیب دولت بریزد و تاکنون هم نزدیک به ۳۰۰۰۰۰ تومان از این پول را برداشت کرده است!!! صیادان آزاد که با مبارزه

قهرمانان نه و خونینشان حق صید آزاد را بدست آورده اند مصمم اند که قاطعانه در مقابل مدیرعامل جدید ایستادگی کرده و از حقوق حقه خویش دفاع کنند.

## ماشین سازی اراک

در تاریخ ۱۱/۹/۵۹، کارگران سالن فلز خواستار اضافه حقوق می شوند. آنها طوماری را در رابطه با درخواست اضافه حقوق امضاء کرده و آنرا توسط نماینده شان به مدیریت عرضه می دارند. مدیریت پس از دیدن طومار اظهار می دارد که کارگران نباید بصورت فردی خواستار اضافه حقوق شوند، کارگران بعد از اینکه سخنان مدیر به گوششان می رسد، بصورت جمعی به اتاق مدیریت رفته و یکی از آنها می گوید: "مگر اینجاست که شما از حرکت جمعی وحشت دارید؟ شما چرا از اتحاد چندکارگر می ترسید؟" اتحاد و استقامت کارگران بالاخره مدیریت را برانود و آورده و او را در می کنند که مسئله را بررسی نماید.

## کارخانه ایران والونو

در نیمه دوم آذرماه بدنبال زمزمه های اعتراضی در مورد عدم پرداخت مساعده و همچنین مسئله مسعود ویژه، جلسه مشترکی با شرکت نمایندگان منتخب کارگران و مدیرعامل برگزار شد. در این جلسه همگی نمایندگان پیشنهادی مدیرعامل را در مورد اضافه کاری رد کردند. در مورد مسعود ویژه کارفرما مجبور شد ضوابطی را در مورد پرداخت آن بپذیرد. مدیرعامل ضمن قبول داد که مساعده را در تاریخ ۱۲ آذر پرداخت نماید. اما مجددا مساعده را به موقع پرداخت نکرد و این مسئله باعث اعتراض کارگران بویژه کارگران قسمت تراشکاری شد. آنان مطرح نمودند که اگر تا ۱۹ آذر مساعده پرداخت نشود، دست از کار خواهند کشید. مدیرعامل پس از دو روز تاخیر در تاریخ ۱۹ آذر مجبور شد مساعده را پرداخت نماید.

## کارخانه پشمبافی شهری

مدیر کارخانه قصد داشت با بهره گیری از شرایط زمان جنگ، به بهانه تقاضای زیاد پشم قیمت آنرا ۲۰٪ افزایش دهد. این عمل با مخالفت شورای کارخانه مواجه شد. شورا بلا تلاش و پیگیری توانست این اضافه قیمت را حذف نماید. ضمنا شورا تصمیم گرفت که برای جلوگیری از گران شدن در بازار، قیمت حقیقی پشم را محاسبه کند و چنانچه قیمت قبلی هم زیاده باشد، آنرا کاهش داده و به قیمت عادلانه برساند. اکنون شوراها نظارت و دخالت خود را بر تمام امور جاری کارخانه هرچه بیشتر با جدکترش دهند.

## اتحاد کارگران شیرپاک و عقب نشینی سرمایه داران

روز سه شنبه ۲۵/۹/۹۹ مدیران کارخانه شیرپاک - کارخانه فرستاده فروشگاه کارخانه دستور می دهند که از فروش شیر، کره و ماست که قبلا به قیمت تمام شده به کارگران فروخته میشد، به کارگران کارخانه خودداری کند. کارگران از این عمل بشدت ناراحت شده و آنرا کامی دیگری از طرف سرمایه داران در محدود کردن حقوق خویش میدانند. آنها تصمیم به مقابله میگیرند.

روز بعد کارگران تولید را خوابانده و جلوه دفتر "خبیری" یکی از مدیران جمع شده و متحدان خواستار لغو دستور مدیران میگردند. خبیری در همان لحظات اول هنگامی که با صف متحد و خشم انقلابی کارگران روبرو میشود او را پس می بیند و بلافاصله دستور آزادی فروش را صادر میکند.

## صنایع دفاع

صنایع دفاع در راه تحکیم بندهای وابستگی بسرعت گام برمیدارد. اعزام دوتن از مدیران کارخانه ها (مهندس ثقفی و کردستانی) به کشورهای امپریالیستی که در ماه گذشته صورت گرفته است. مستشاران آلمانی و تجدید قرار دادهای اخیرا اعزام چند تن از کارکنان خرید و سفارشات شرکت پنهان به کشورهای امپریالیستی نمونه های قابل ذکرند. این عده اخیرا برای خرید قطعات هلی کوپتر از دلالت های بین المللی که اجناس آمریکا را به چندین برابر قیمت بقیه در صفحه ۲

## اتحاد کارگران باطری سازی در مقابل

### زورگویی مدیران

روز ۱۷/۹ در شعبه جلدسازی هنگامیکه کارگران چند لحظه ای جهت خالی کردن و تخلیه با راستراحت می کردند، سرمدی رئیس کارخانه وارد شعبه شده و به کارگران می توید که چرا بیگانه را بیستادها ندو...؟ کارگران معترضانه در مقابل ایستادند. سرمدی میگوید "من مسئول نظم اینجا هستم و شما دارید نظم را بهم میزنید". کارگران که منظور وی را از نظم، یعنی نظم مطلوب سرمایه دار، بقیه در صفحه ۴

## منحد و یکبارچه علیه اخراج کارگران روزمزد

در اواخر ماه گذشته مدیریت شرکت صنایع هواپیمایی با تاخیر شورای فرمانی اعلام میدارد که بدلیل کمبود بودجه از تاریخ ۱/۱۰/۵۹ به کارگران روزمزد تخفیف داده می شود. اعلام این خبر ابتدا اعتراضات پراکنده کارگران را بوجود می آورد. بقیه در صفحه ۴

# دوروز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است!

## دردگریری دو طایفه در لرستان با پاسداران و ژاندارمها چهار نفر کشته و هیجده نفر مجروح شدند

بعد از درگیری های اخیر که در آن یک نفر از عودیلی ها کشته و چند نفر از طرفین مجروح شدند، هیئت هفت نفره واگذاری زمین اعلام کرده عودیلی ها باید زمینها را ترک کرده و به طایفه دیناروندوا گذار کنند. در تاریخ بیست و پنج آذر بدستور هیئت هفت نفره، پاسداران پلدختر و کوهدشت با توافق ژاندارمها برای اخراج عودیلی ها با این منطقه رفتند که با مقاومت روستائیان مواجه شدند. پاسداران ابتدا شروع به تیراندازی هوایی کردند ولی چون مردم مقاومت میکردند آنها را به رگبار بستند، که در نتیجه چهار نفر کشته و هیجده نفر مجروح شدند.

این درگیری خشم و نفرت زحمتمکشان این طایفه را بیشتر ساخت، آنها اکنون در یافته اند که این حاکمیت حامی منافع سرمایه داران و زمینداران بزرگ است. آنها خود را هدیه بودند که دولت بجای دفاع از آنها، بخاطر حمایت از غضنفری، این مزدور رژیم شاه، آنها را به گلوله بست.

در جریان درگیری بین سپاه پاسداران و ما موران ژاندارم با طایفه عودیلی لرستان چهار نفر کشته و ۱۸ نفر زخمی شدند. طایفه عودیلی که ساکن بخش کوهدشت لرستان میباشد مدتی است با طایفه دیناروند (ساکنین جلگه خلیج در بخش پلدختر) که در فاصله ۸۵ کیلومتری جنوب خرم آباد واقع در جاده خرم آباد اندیشک سکونت دارند، بر سر مسائلی مین اختلافا پیدا کرده اند. در زمان رژیم شاه طایفه عودیلی رعیت مالکی بنام غضنفری بودند و این زمینها را از شخص نا میرده خریداری کردند ولیکن غضنفری که از وابستگان رژیم شاه بود، زمین های مزبور را زوراً از عودیلی ها گرفته و به طایفه دیناروند فروخت. در این مورد اعتراض عودیلی ها بجائی نرسید و بعینت اینکه زمینها در روستای آنها واقع شده با زهم بعنوان کارگر کشاورزی روی این زمینها که عمدتاً در آنها صیفی جات کشت میشود مشغول کار شدند. در جریان قیام عودیلی هازمینهای مزبور را مصادره کردند.

## صنایع دفاع

بقیه از صفحه ۳  
میفروشند، عازم این کشورها شده اند. با زسازی ضد اطلاعات در تمام قسمتهای صنایع دفاع، تحت نام دایره حفاظت اطلاعات و... در حال انجام است از جمله در شرکت پنهان مدیرعامل ضد کارگزاران، پس از یکسال بخشنامه "خیلی محرمانه" شماره ۵۱/۱۸-۴۳-۱۰۰/۲۰۷-۱۰۰ تاریخ بیست و هفتم آبان را در تاریخ بیست آذر برای همه قسمت ها فرستاده و از کلیه مدیران خواسته است که با دایره حفاظت اطلاعات همکاری نمایند. در این بخشنامه نوشته شده که مدیران در مرحله اول موظفند از پرسنل ضد اطلاعات سابق بهره برداری نمایند و آنها را بکار گیرند. بیهوده نیست که آقای عبیدوس که از افراد انجمن اسلامی است و مدیریت حفاظت پنهان را بعهده دارد، ضد اطلاعاتی های سابق و (البته خوشنام!) را بکار دعوت کرده و از آنها برای جاسوسی استفاده مینماید یکی از شرکتهای این فرد "مکتبی" این است که ضد اطلاعاتی ها را به در منزل کارکنان فرستاده و از همسایه هادر مورد عقاب و افکار و گرايشات آنها تحقیق مینماید! حتی ساواکی های شاه هم که خود را در مورد جاسوسی بدون رقیب میدانستند عقلاشان به اینجا قدنداده بود!

نقل از سیرنامه صنایع دفاع

## اتحاد کارگران باطری سازی...

بقیه از صفحه ۳  
یعنی استثمای هر چه بیشتر کارگران، یعنی عدم درروئی کارگران سرمایه داران، یعنی اطاعت بی چون و چرای زحمتمکشان و... دریافته اند، به او میگویند: "ما بدون شما خیلی بهتر کار را میگردانیم." درگیری بالا میگردد. سرمدی میخواهد با تهدید به اخراج تنی چند از کارگران آگاه "نظم" خود را تحمیل نماید. کارگران در مقابل این حرکت ضد کارگری دست به اعتصاب زده و تولید را میخوابانند. مدیران به دست و پا می افتند. یکی از عوامل مدیرعامل به میان کارگران آمده و سعی در فریب کارگران دارد. کارگران خواستهایشان را چون مسکن، اضافه حقوق، بهداشت و... مطرح میکنند. وی قول میدهد که هیچیک از کارگران اخراج نگردند و بعضی خواستههای جزئی آنها را میپذیرد. کارگران به سرکار باز میگردند. کارگران در مقابل زورگویی مدیران می ایستند، ولی با دیدن نداشتن هنگامیکه شورای واقعی خود را تشکیل نداده و در آن متشکل نشوند قادر به تحقق حقوق برحق خویش و مقابله جدی با مدیران نخواهند بود.

## متحدویکپارچه علیه...

بقیه از صفحه ۳  
کارگران آگاه بلافاصله یک جلسه عمومی تشکیل میدهند. مدیریت و شورا زیر ضرب قرار گرفته و با سئوالات افشاء گران کارگران روبرو میگرددند. کارگری از یکی از نمایندگان شورا میپرسد: "در شرایطی که بیکاری بیداد میکند، گرانیهو هزینه زندگی هر چه بیشتر برودش ما سنگینی میکنند، اخراج ما جز گرسنگی کشیدن بیشتر ز نورزندانمان معنی دیگر دارد؟" کارگری دیگری میگوید پس گواهی این حکومت مستضعفین؟ در همین شرایط جنگ چو تمام مدیران مفت خور بیکاریا حقوقهای ۳۰ تا ۴۰ هزار تومانیهنوز بر سر کار رند و تنها برای ما بودجه کم می آید و باید اخراج بشویم." کارگران در مقابل این پایمال کردن آشکار حقوقشان تصمیم به مقاومت جمعیتی میگیرند. در مقابل تصمیم قاطع کارگران مدیریت به حیلای دیگر توسل میجوید. اعلام میدارد که کارگران روز مزد به کارخانه ذوب مس منتقل میشوند. در کارخانه ذوب مس کارگران انتقالی در می یابند که برای مقابله با اعتراضات کارگران آن کارخانه در پی کسب حقوق برحق خویش به آنجا برده شده اند. در حقیقت مدیران قصد داشتند از آنها بعنوان اعتصاب شکن استفاده نمایند. در نتیجه با آگاهی

به توطئه کشیف مدیران پی برده و به شرکت صنایع هواپیمائی باز میگردند در شرکت دست به افشاگری وسیع زده و با سایر کارکنان تماس میگیرند. اکثریت تکنسینهای شرکت بهمراه دیگر کارکنان با جمع آوری امضاء، طومار ۱۰۰۰ نفره با علام پشستیبا نسی می کنند. صف متحدویکپارچه کارکنان شکل میگیرد. مبارزات کارگران روز مزد پیگیرانه و به همراه حمایت قاطع سایر کارکنان ادامه می یابد. بالاخره در روز ۱۰/۱ - مدیران مجبور به عقب نشینی شده و کارگران برای ۴ ماه دیگر بر سر کار باقی میمانند. کارگران روز مزد تمام می گران پی به نیروی اتحاد رزمنده خویش برده و اولین گام را در عقب راندن مدیران و پیروزی خویش برمیدارند. اکنون کارگران آگاه و پیشرو باید بکشند تا با آگاهیها دنبه سایر کارگران و متشکل شدن هر چه بیشتر مبارزات کارگران را ارتقاء دهند. آنان با یدیا تشکل در شورای واقعی گامهای دیگری در پی تحقق خواستههای برحقشان چون رسمی شدن... بردارند کارگران در پیافتند که تنها با اتحاد آگاهانه قادر به مقابله با مدیران و سرمایه داران خواهند بود و بالاخره در خواهنند یافت هنگامی که طبقه کارگر چون شنی واحد به مبارزه برخیزد طومار نظامی سرمایه داری را به هم پیچیده و آنرا نه زباله دانی تاریخ خواهد هندیسپرد.

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج و تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق را برپا داریم.

## وظایف هیئت های تحقیق در شرایط کنونی

۱- با ایدمان و سرکشی کارگران شوند  
کاملاً بیرون و تحت پوشش های عوام فریبانه  
دست به اخراج کارگران زنند. هیئت  
های تحقیق باید ضمن بررسی بهانه های  
آنها و توضیح بی پایه بودن دلایل کار-  
فرمایان و سرمایه داران نزدیک کارگران،  
با افشای آنها از اخراج کارگران جلوگیری  
گیری بعمل آورند. از آنجا که در شرایط  
کنونی اخراج کارگران یکی از مسائل  
همه گیر کارخانه ها است، فعالیت  
هیئت های تحقیق در این زمینه از  
عمده ترین وظایف آنها می باشد.

۲- کلاه برداری، اسناد مالی و...  
مدیران و سرمایه داران را افشاء  
کنند. از آنجا که در شرایط کنونی  
(بحران اقتصادی) دولت و سرمایه  
داران با بهانه های گوناگون بخشی  
از حقوق کارگران را کم می کنند و  
دست به اخراج کارگران می زنند،  
در مقابل در بعضی از کارخانه ها  
مدیران و سرمایه داران دست به دزدی های  
کلانی زده اند. که این چیزی جز افرات  
دسترنج کارگران نمی باشد.

از جمله این دزدیها، سوء استفاده مالی  
است که در کارخانه های عظیم ایران  
نا سیونال صورت گرفته است که هیچ  
پیکیری مشخصی را هم بدنبال نداشت.  
در کارخانه با فکار اخیر یک قلم  
دزدی ۵ میلیون تومان صورت گرفته  
است که کارگران در پی روشن کردن  
قضیه می باشند. دزدیهای متعددی  
هم در جنرال موتورز اتفاق افتاده  
است. هیئت های تحقیق باید با  
سوء استفاده مالی مدیران و کارخانه  
داران را بررسی نموده و آن را نزد  
کارگران افشاء نمایند.

۳- سرمایه داران و کارخانه داران  
حقیر جلوه دادن سود و منفعت کارخانه  
در جهت کم کردن دستمزدها و مزایای  
نا چیز کارگران و یا مقابله با عدم  
افزایش آن گام بر می دارند.  
هیئت های تحقیق باید تا آنجا که  
می توانند بگونه ای هر چه دقیقتر  
سود های کلان سرمایه داران و دولت  
را برای تمام کارگران رو کنند.  
بعنوان مثال کمیته تحقیق یکی از  
کارخانه نجات کفش ملی به بررسی سود  
کارخانه در چند ماه گذشته پرداخت و با  
وضوح تمام برای کارگران توضیح  
داد که با توجه به اینکه میزان تولید

در شرایطی که اوضاع اقتصادی هر  
روز بحرانی تر میشود، بیکاری و گرسنگی  
و آوارگی کارگران و زحمتکشان با عباد  
عظیمی می یابد. سرمایه داران می  
خواهند با خرید کننده بحران را بردوش  
کارگران بگذارند. آنها کوشش میکنند  
بخارج نموده کارگران و زحمتکشان بحران  
را تعدیل کنند، ضمن آنکه از سوی هیئت  
حاکمه که مدافع منافع سرمایه داران  
است، پشتیبانی میشوند. از جمله روش  
هایی که سرمایه داران برای سرکوب  
مبارزات کارگران و درهم شکستن اتحاد  
و همبستگی آنها بکار میگیرند، تهدید  
به اخراج و تعطیل کارخانه است. آنها  
در واقع با تهدید و اخراج و تعطیل کار-  
خانه همراه با تصویر عواقب وحشتناک  
گرسنگی، میخوابند کارگران را بزانو  
در آورند، توسل باین روش غالباً در  
دوره هایی که تولید را اختلال و جامعه  
در حال بحران است، یکی از اقدامات  
مؤثر سرمایه داران بر علیه کارگران  
میباشد. بهمین دلیل راهی برای امکان  
بهبود بخشیدن بوضع کارگران بدون  
توسل به عمل انقلابی وجود ندارد. ما  
از آنجا که طبقه کارگران از فقدان  
یک سازمان سراسری رنج می بردن مکان  
مقاومت طرح ریزی شده و سیستماتیک  
همراه با مبارزه ای سازمان یافته  
بمعنی واقعی کلمه، وجود ندارد. به  
همین علت در شرایط کنونی هر جا که  
شوراهای واقعی امر هدایت مبارزات  
کارگران را در دست دارند با تشکیل  
هیئت های تحقیق به بررسی بهانه های  
سرمایه داران در مورد علل اخراج کار-  
گران و تعطیل کارخانه ها و... گام بر  
دارند و با افشای بهانه های سرمایه  
داران و نظارت و دخالت در امور جاری  
کارخانه، مانع اخراج و تعطیل کارخانه  
شوند.

در کارخانه های که شوراهای واقعی  
قدرت را در دست ندارند کارگران مبارز  
و پیشرو خود، باید بمقابله با سرمایه  
داران برخیزند. ضمن اعتراض به اخراج  
و تعطیل کارخانه و با تبلیغ نظریات  
هیئت تحقیق زمینه تشکیل مجمع  
عمومی را فراهم کنند و در مجمع عمومی  
با تشکیل هیئتی از کارگران آگاه و  
مبارز، هیئت تحقیق را برپا دارند.

در مهملات و تزیینات کمتری بوده  
از خدا دوستی به مراتب کمتر بوده  
است ولی در سود کارخانه تفاوتی  
محسوس وجود نداشته است. علت این  
مسئله در دو چیز بوده است، نخست  
اینکه در مهملات محصول کفش  
کارخانه به لحاظ نوع تولید گرانتر و  
مرغوبتر بوده است دوم اینکه به علت  
کلیه محصولات کارخانه در صد فوق-  
العاده ای افزوده شده است. و یا در  
کارخانه رج نمایندگان ضد کارگر  
شورای مدعی بودند که کارخانه نزدیک  
۵ تا ۶ میلیون تومان ضرر داشته است در  
حالی که مبارزات کارگران آنها را  
مجبور کرد که اعتراف کنند کارخانه  
۱۵ میلیون تومان سود داشته است.

۴- جلوگیری مغرضانه در مورد هزینه تولید  
یکی دیگر از دلایل سرمایه داران و  
کارخانه داران در جهت کاهش حداقل  
دستمزد کارگران و یا مقابله با  
افزایش آن است. در اغلب  
کارخانه ها مشاهده شده است که در  
شرایط کنونی به حقوق مدیران و  
کارمندان عالی رتبه افزوده می گردد  
در حالی که حداقل مزد و مزایای  
کارگران نه تنها افزوده نمی شود بلکه  
کاهش نیز می یابد از جمله نمونه های  
این موارد، افزایش حقوق مدیران  
در یکی از شرکت های کفش ملی در سر  
آسیاب بود که با اعتراض دسته جمعی  
کارگران روبرو شد. و نمونه دیگر آن  
افزایش حقوق کارمندان عالی رتبه  
در کارخانه پارس الکتریک می باشد  
که با اعتراض و اعتصاب کارگران روبرو  
گشت.

۵- هیئت های تحقیق باید اسرار  
معاملاتی و میزان اعتبار دولتی و  
چگونگی استفاده آن را بررسی نمایند.  
اغلب یکی از مآثرات کارخانه داران  
و سرمایه داران دسترس بیست  
این امکانات می باشد که از آنها برای  
سودبری هر چه بیشتر استفاده می کنند.  
هیئت های تحقیق باید دسترس به  
این منابع هرگونه توطئه سرمایه  
داران را خنثی نمایند.

۶- هیئت های تحقیق باید امکان  
کاهش زمان کار کارگران را  
با تامین هزینه های زندگی در شرایط  
جاری در کارخانه بررسی نمایند تا  
امکان استفاده مبیکاران را فراهم  
کنند. آنها باید در ضمن آن به  
کارگران شاغل توضیح دهند که

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...) هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

## برای مقابله با توطئه‌های سرمایه‌داران...

بقیه از صفحه ۵

سرنوشت بیکاران با سرنوشت تمام کارگران گره خورده است. هیئت‌های تحقیق باید مانع تعطیل کارخانه‌ها گردند. آنها میزان و چگونگی تهیه مواد خام را باید بدست آورده و آن را به اطلاع کلیه کارگران برسانند و در این بطنه می‌توانند میزان و چگونگی وابستگی صنایع ایران را به کارگران توضیح دهند و امکان تهیه مواد خام از منابع دیگر را بررسی نمایند.

امریزشردارین وظایف هیئت‌های تحقیق فقط با حفظ تماس دائمی با توده کارگران و تضمین مشارکت همه جانبه کارگران عملی است. در این رابطه هیئت‌های تحقیق ابتدا باید در جهت کسب اعتماد توده کارگران حرکت کرده و همیشه آنها را در جریان کارهای خویش قرار دهند و این مهم‌ترین وظیفه تشکیل مجامع عمومی است که توده کارگران در آن حضور داشته باشند. آنها تنها با توسل به این تاکتیک و عمل انقلابی کارگران خواهند توانست سرمایه‌داران را مجبور به عقب نشینی کنند.

ضمناً لازم به تاکید است، در کارخانه‌ها شبکه شوراها و انقلابی وجود دارند، هیئت‌های تحقیق باید با یکدیگر ملازم نظر آنها حرکت نمایند.

کارگران مبارز و پیشرو باید ابتدا به تبلیغ ایده تشکیل هیئت‌های تحقیق در کارخانه‌ها بپردازند و ضرورت آن را برای کارگران توضیح دهند. شرط موفقیت کامل آن راکه با تشکیل هیئت‌های تحقیق در کارخانه‌ها و سپس گسترش آن در یک ارگان واحد می‌باشد که در کنار توده کارگران توضیح دهند که در چه رچوب نظام سرمایه‌داری - قدر به حل کامل این مشکلات نخواهیم بود و این ره‌نمودگرا نقدار لنین رهبر پرولتاریای جهان را تبلیغ کنند که:

"در نظر سوسیالیست‌ها یک کار اقتصادی پایه‌ای است برای سازمان دادن کارگران در یک حزب انقلابی، برای تقویت و تکامل پیکار طبقاتی علیه کل سیستم سرمایه‌داری، و لنینی اگر به پیکار اقتصادی همچون چیزی خود بسنده نگریسته شود، نگاه هیچ چیز سوسیالیستی ندارد. در تاریخ کلیه کشورهای اروپایی نه تنها اتحادیه صنعتی سوسیالیستی بلکه همچنین اتحادیه صنعتی ضد سوسیالیستی هم داشته‌ایم. کمک به پیکار اقتصادی پرولتاریا کار سوسیالیست است از تبدیل پیکار اقتصادی در جهت کمک به جنبش سوسیالیستی و پیروزی حزب سوسیالیستی انقلابی."

خواستهای برحقمان نشان داده - با شیم و همچنین بخاطر اخترا م به آربعین، ضمن فشاری برخواستهای قبلی خود، تا روز شنبه ۱۳/۱۰/۵۹ به مسئولین وزارت نفت مهلت داده و خواستهای فوری زیر را نیز خواهیم: ۱- ماهرگونه دستگیر نمودن همکاران خود را به هر بهانه‌ای محکوم نموده و خواهان آزادی فوری همکار زندانی خود می‌باشیم.

۲- ما به مسئولین صنعت نفت اخطار می‌کنیم که اگر با زهم بخوانند در این مدت به خواسته‌های ما بی توجهی نمایند در روزهای آینده با تمام خانواده‌های قریب به هفده هزار از کارکنان جنگ زده روبرو خواهند بود. این نفتگران پس از صدور قطعنامه وزارتخانه را ترک میکنند ولی در مسیر وزارتخانه تا محل دهکده المپیک دوبار مورد حمله و آزار و اذیت او باشان قرار می‌گیرند.

اکنون زحمتکشان خوزستان منجمله نفتگران قهرمان، علاوه بر تجاوزات رژیم ضد خلقی عراق با جبهه دیگری از ضد انقلاب نیز روبرو می‌باشند. حاکمیت با شیوه‌های گوناگون آنها را تحت فشار قرار میدهد. آنها برای ابتدائی ترین حقوق انسانی یعنی حق حیات، مسکن، سوخت و غیره - نیز باید مبارزه نمایند. اما اگر حاکمیت در برخورد با کارکنان جنگ زده هر چه بیشتر به تهدید، ارباب و سرکوب متوسل می‌شود، نفتگران قهرمان به حمایت بیشتری از همکاران جنگ زده خود بر می‌خیزند. در همین رابطه شوراها ی صنعت نفت به حمایت از این آوارگان پرداختند. این شوراها که عبارت بودند از:

شورای کارکنان عملیات پالایش پالایشگاه تهران، شورای متحد پالایشگاه تهران، شورای تکنیسین‌های تعمیرات پالایشگاه تبریز، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای پالایش پالایشگاه اصفهان و... طی دوروزنشستی که داشتند قطعنامه‌ای تصویب نمودند، مواردی از این قطعنامه چنین است:

"... هرگونه کمیته و کمیسیون و تصمیم گیری در آنها بدون حضور و دخالت مستقیم نمایندگان واقعی و منتخب آوارگان جنگ زده صنعت نفت از نظر ما بدون اعتبار و تعمیلی بوده و تنها تصمیمی را قبول داریم که مورد تأیید شورای آوارگان باشد." - هرگونه تفرقه و جدائی انداختن بین کارکنان جنگ زده تحت عنوان رسمی وزیرپوشش را محکوم و همه را کارکنان پاک و صدیق این صنعت میدانیم..."

و بدینسان شوراها ی صنعت نفت حمایت خود از آوارگان جنگی، طلبه‌های وحدت یکپارچه نفتگران را با ردیگر به نمایش گذاشتند. بدون شک مبارزات نفتگران جنگ زده به همراه حمایت و پشتیبانی سایر نفتگران قهرمان حاکمیت را به عقب نشینی وادار خواهد ساخت.

## نفتگران آواره همچنان تحت فشارند!

روزهای بیست و نهم و سیام آذرماه بیش از چهل خانواده از نفتگران آواره که اخیراً در دهکده المپیک ساکن شده‌اند در ساختمان مرکزی وزارت نفت تجمع مینمایند. اعتراض آنها که از قطع برق منازل و نرسیدن سوخت لازم به آنها آغاز شده بود، خواسته‌هایی چون مسکن، خوار و بار، حقوق ماهیانه، بهداشت و غیره... را نیز بدنبال داشت. این تجمع با تعهد معاون نفت کشور، در مورد وصل برق و رساندن سوخت به دهکده پایان می‌یابد و قرار می‌شود روز ۶/۱۰ اگر رکنان برای گرفتن جواب قطعی مراجعه نمایند.

روز موعود نفتگران آواره به همراه خانواده‌ها پیشانی به اداره مرکزی وزارت نفت مراجعه میکنند اما هیچکس برای پاسخگویی با آنها حاضر نمیشود. آنها در طبقه هفتم ساختمان متحصن میشوند. تحصن قریب ۲۰ ساعت ادامه پیدا میکند و طبق معمول پاسداران وارد میشوند. ابتدا متحصنین را محاصره میکنند و از ورود و خروج همکاران نفتگران جنگ زده جلوگیری میکنند بعد برای آنکه فشار بیشتری به این جمع وارد کنند مانع ورود هرگونه آذوقه به ساختمان می‌شوند، حتی نمیکذارند شیر خشک برای نوزادان وارد شود. اما متحصنین در مقابل این پاسداران سرمایه و فشار آنها مقاومت میکنند و حاضر نمیشوند محل را ترک کنند. در ساعت دوسوی دقیقه با مداخله قطع برق، فشار برخاسته‌ها بیشتر میشود، یک نفر رانیز در این مدت دستگیر میکنند. اما مقاومت همچنان ادامه می‌یابد.

روز بعد، یعنی روز آربعین، پاسداران به خانواده‌ها میگویند "اگر اینجارتک نکنید مردم (راهپیمایان) را می‌آوریم شما را بیرون لبریزند!"

نفتگران متحصن چون نمی‌خواستند درگیری ایجاد شود و در حالیکه سراپا خشم بودند با صدور قطعنامه‌ای توسط "شورای سراسری کارکنان جنگ زده آوارگان و خونین شهر محل تحصن را ترک میکنند. در این بین قطعنامه آمده است که:

"در تمام این مدت با اکثر ارگانهای مسئول زحمت دافترام، نخست وزیر و وزیر، و سایرین نهادهای تمام ولی آنها نیز جواب قانع کننده‌ای بمانندادند، چون ما می‌بینیم تمام جریانات موجود حاکی از توطئه و جو سازی علیه ما می‌باشد و عده‌ای غیر مسئول می‌خواهند در این روز مقدس خونریزی را برپا کنند. بدین خاطر با توجه به تمام موارد فوق و برای اینکه با زهم حسن نیت خود را در مورد

باید با استخدام کارگران بیکار،

سایر "اضافه کاری اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود!



# حقوق کارگران "خونین شهر" پرداخت باید گردد

بیش از یک نژاد در روز است که کارگران شرکت بنا در وکشتیرانی جنوب ( بندر خرمشهر) برای گرفتن حقوق عقب مانده خویش (از مهر ماه تا کنون) در تهران سرگردانند. آنها از وزارت کار به نخست وزیری از نخست وزیری به مجلس شورای اسلامی از مجلس به نخست وزیری، از نخست وزیری به وزارت کار از وزارت کار به "جماران" و از جماران به وزارت کار روانه آنجا به... بناس داده میشوند. اما کارگران زحمتکش و جنگ زده بندر که از ستمدیده ترین و محروم ترین توده های خلق عیسوی هستند، همچنان مصرا نه و متحد برای گرفتن حقوق حقه خویش پایبنداری و مبارزه می کنند.

از روز ۲۷/۵ طبق وعده قبلی وزارت کار به کارگران بندر، آنها به وزارت کار میروند ولی وزیر کار (چنانچه رسم سرمایه داران است) با بیشرمی میگوید: "بمن ربطی ندارد، هر کاری میخواهید بکنید، بروید شکایت بکنید!!" کارگران پس از شنیدن پاسخ وزیر کار به نخست وزیری برای می افتند. کارگران به مشتهای گره کرده شعار میدادند: "بی اعدام یا حقوق" - "نمایندگان خرمشهر حاضر بیاید گردند". در طول راهیمائی عابریین آگاه و زحمتکش از آنها حمایت و پشتیبانی میکردند. در مقابل ساختمان نخست وزیری نمایندگان کارگران برای دیدن رجائی وارد ساختمان میشوند ولی به آنها میگویند: "رجایی با کارگران صحبت نمی کند!!!"

کارگران با شنیدن این جواب، خشمگینانه به فارسی و عربی شعار میدادند. آنها رجایی را مخاطب قرار داده فریاد میزدند: "چرا بدرد ما نمی رسید، هر چه دارید از ما کارگران دارید، همین شیشه های نخست وزیری را ما از کشتی ها خارج کردیم، همین خانه و کاشانه تان را ما کارگران ساخته ایم. حال که آنها خرمشهر را گرفته اند ما به درد تان نمیخوریم، ما را اول کرده اید و حقمان را نمیدهید..."

کارگر دیگری فریاد میزد: "ما تا بیستم مهر در شهرمان ندیم، بیستم عراقیهای جلاد آمدند، ما مجبور شدیم زن و بچه هایمان را نجات دهیم، بماند اسلحه ندا دید با آنها بجنگیم، ما که هستیم این انقلاب را ما درکنیم کردید ما بدبختیش برای ما ست ندیم، آواره شدیم، کشته دادیم،

زخمی شدیم، اما کیست که بدرد ما برسد، وزارت کار میگوید بمن مربوط نیست پس درش را ببندید". کارگران زحمتکش و ستمدیده که روزهاست در تهران سرگردانند، خسته از این جنگ غیر عادلانه و از دروغهای حاکمیت، بار دیگر در ۹/۳۰ در مقابل نخست وزیری اجتماع میکنند و نماینده به مجلس و نماینده به نخست وزیری میفرستند. یکی از نمایندگان مجلس دست نویسی داده بود که نخست وزیری به خواست اینها رسیدگی کند! نخست وزیری نیز گفت: "دولت پول ندارد، بروید گدائی کنید!!!"

کارگران از این همه بیشرمی دولت سرمایه داران خشمگینانه فریاد میزدند: "ما گدا نیستیم، ما صدقه نمیخواهیم، ما حقمان را میخواهیم، سی سال است که کار کرده ایم حالا چرا حقمان را نمیدهید، جنگ راه انداخته ایید، میخواستید صدور انقلاب کنید، ما را آواره کردید، حقمان را هم نمیدهید، بچه های ما گرسنه و آواره اند". کارگری می گفت: "خودم دیشب با یک پتو تا صبح در کنار خیابان خوابیدم از سرما یخ زدم، کمی آتش روشن کردم، پاسدارها آمدند و خا موش کردند، بمن گفتند تو ضد انقلابی، میخواهی علامت بدهی!"

در روز ۲/۱۰ کارگران مجدداً از نخست وزیری بطرف وزارت کار راهیمائی کردند، برپلاکاردی که حمل میکردند نوشتند: "حقوق کارگران بطور کامل بیاید پرداخت گردد" کارگران شعار میدادند: "رجایی کجایی حقوق کارگر بده!" - "رجایی کجایی جواب کارگر بده!"

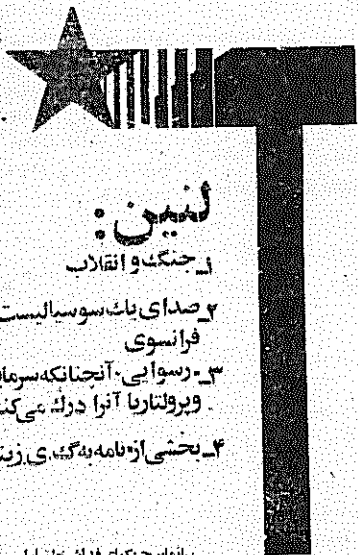
کارگران پس از ساعت تحصیلات بی نتیجه، تصمیم گرفتند بطرف "جماران" بروند، آنها مصمم هستند حقوق حقه خویش را بگیرند، راهیمائی پرشکوه کارگران در حالیکه شعار میدادند: "خونین شهر سنگر انقلاب است، کارگر حامی انقلاب است" - "حقوق سه ماهه کارگران خونین شهر پرداخت باید گردد" "رجایی کجایی حقوق کارگر بده" - "رجایی، بنی صدر حقوق کارگر بده" آغاز شد. آنها شب خسته و گرسنه به جماران رسیدند، آیت الله خمینی به بهانه بیماری حاضر نشد کارگران ستمدیده بندر را بپذیرد. نماینده آیت الله خمینی به نمایندگان کارگران گفت: "باید به وزارت کار بروید!!!" کارگران هر روز در مقابل وزارت کار روخنسست وزیری اجتماع میکنند.

کارگری در پاسخ رفیقش که میگفت: "میگویند اگر به نخست وزیری بیایند شما را به رگبار می بندند" فریاد میزد: "ما که همه چیز، خانه و زندگی خود را از دست داده ایم، بگدا را با یک شمشیر چه بیشتر چهره اینها روشن بشود". کارگر دیگری می گفت: "ما از گرسنگی به تهران آمده ایم خانواده های ما گرسنه و آواره اند، ما نمایندگان بنشین از ۱۲ هزار کارگر هستیم، دولت ما است حقوق به ما نداده، ما همه جنگ زده ایم، ما حقمان را میخواهیم". کارگر دیگری در پاسخ یکی از زحمتکشان تهران می گفت: "هیچ یک از کمک های شما به جنگ زده ها

بما نرسیده است". کارگران زحمتکش و ستمکش بنا در هر روز در مقابل وزارت کار روخنسست وزیری جمع میشوند تا حقوق حقه خویش را از رژیم مدعی طرفداری از کارگران و زحمتکشان بگیرند.

کارگران بندر که بخصوص در این روز های پربار تجربه، خوبی از ماهیت ضد کارگری و ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی آگاهی یافته اند، مصمم اند دولت سرمایه داران مبارزه کرده حقوق حقه خویش را از حلقوم آنان بگیرند.

## منتشر شد



### خونین

در جنگ و انقلاب

۲ صدای ناک سوسالیست شریف

فرانسوی

۳ رسوایی آنجانکه سرمایه داران

و پروتارنا آنرا درک نمی کنند

۴ بخشی از نامه به کمیته زینویوف

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی  
دمکراتیک خلقهای ایران است

# بنیاد خدمات مالی

## به مثابه نهادی در خدمت حزب جمهوری اسلامی و جایگزین بانک اسلامی

در زمانی که ورشکستگی مالی بسه چنان درجهای رسیده که دیگر جای انکار باقی نمیگذارد و دولت به انواع حیل سعی دارد اعتماد مردم را به بانکها، این مهمترین مرکز حیات اقتصادی سرمایه داری جلب نماید و حتی آیت الله خمینی برای رفع مشکلات مالی، بهره را تحت پوشش "جایزه" مجازمی شمارد، دولت جمهوری اسلامی با زمدعی "ریشه کن کردن ربا" آنها را ز طریق شکل گیری بنیادی بورژوازی، تحت عنوان دهنن پرکن و فریبنده ای چون "بنیاد خدمات مالی" گردیده است.

آیا برآستی دولت جمهوری اسلامی خواست و توان آزمون برداشتن ربا را دارد؟ آیا آنکه اینبار ریزه راه حل دیگری توسل جسته تا از یک سو با عباراتی میان تهی و خالی از مضمون انقلابی به فریب و تحمیل توده ها دست زند و از دیگر سو با ایجاد نهادی برپا به یک سیستم بانکی،

در جهت تعدیل مشکلات مالی و تثبیت نظام سرمایه داری گام بردارد؟ مسلم نیست و هما گونه که دو سال حاکمیت دولت جمهوری اسلامی نیز نشان داده، شق دوم صحیح بوده و این دولت نه خواست نابودی ربا خواران یا بهتر بگوئیم سرمایه داران را دارد و نه میتواند ز بهره چشم پیوشد، بلکه هدفش تنها، استفاده از پس انداز و ذخیره مردم به منظور مقابله با بحران اقتصادی است که گریبانش را گرفته است.

با مروری بر مصاحبه عربشاهی قائم مقام "بنیاد خدمات مالی" (مندرچ در جمهوری اسلامی ۵۹/۹/۲۰)، اسرار نهفته در پس عبارات ناشناخته برای توده ها به لحاظ محتوای حقوقی اش، و در نتیجه سیستم اقتصادی حاکم بر بنیاد و شکل سازمانی آن که هما تا اقتصاد سرمایه داری و شکل بانکداری است، بیشتر و بیشتر آشکار می گردد.

عربشاهی در این مصاحبه اظهار میدارد: "بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران برای ریشه کن کردن ربا از طریق حل مشکلات مالی" تشکیل شده "آقای قائم مقام در همین ابتدای گفتارشان، هدف را روشن کرده اند ولی در لفظا فموجا پس و پیش کردن کلمات، چون در واقع هدفشان همان حل مشکلات مالی است، لکن نه با "ریشه کن کردن ربا" بلکه از طریق بهره و سیستم عملیات بانکی. حال ببینیم این عملیات بنیاد، چگونه میخواهد ربا را ریشه کن سازد تا نتیجتا به "احیاء اقتصاد سالم اسلامی در کشور دست یابد؟ بنا بگفته قائم مقام برای دستیابی به اهداف این بنیاد، فعالیتها را با شرح در نظر گرفته شده، گشایش حساب جاری، حساب تعاون، صدور ضمانت نامه، نگهداری اسناد و اوراق بها دار و وصول آنها، قبول امانات و نگهداری و حفظ آنها، قبول وصیت، قیمومیت، وکالت، مشاوره، مدیریت شرکتها، قبول مشارکت مضاربه و سایر مسائلات (که با یکد مسائلات باشد) و در حقیقت بکار گرفتن دارای بنیاد از طریق عملیات بازرگانی شروع در ایجاد ابنیه عمومی عام المنفعه، راهسازی و کلیه امور بازرگانی".

هر کس با اطلاعاتی اندک، با نظری اجمالی به نکات مشروحه در فوق درمی یابد که این وظایف، دقیقاً وظایفی است که در نظام سرمایه داری بعهده داران عمل کرده است.

به چند نمونه از این موارد اشاره کنیم: مثلاً صدور ضمانت نامه، ضمانت نامه، برای چه کسی؟ روشن است، برای صاحب سرمایه ای که برای تضمین فعالیتهاش، سپرده ای در بانک میگذارد، یا نگهداری اسناد و... وصول آنها، که اینهم چیزی جز همان تنزیل نیست، قبول وصایت و وکالت و... که بر چه مبنائی صورت میگیرد؟ مسلماً در مقابل دریافت درصدی، چند درصد؟ روشن است طبق قراردادها خصوصاً که در اسلام کاردون اجرت برای "تبرع" نیست. از آقای قائم مقام و دولت مردان جمهوری اسلامی می پرسیم، مگر بانکیهای سرمایه داری جز این عمل کرده اند؟ و بنیاد خدمات مالی؟! با یک چنین فعالیتهائی که عربشاهی بر شمرده، غیر این انجام خواهد داد؟

بمنظور ریشه کن کردن ربا

### بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران

#### تشکیل میشود

در این بنیاد خدمات مالی غیر انتفاعی بوده و فعالیت آن بر اساس مشارکت، مضاربه و مزایعه خواهد بود

این بنیاد برای فعالیتهای صنعتی کوچک تا ۵۰ هزار ریال وام می پردازد

حسن عربشاهی قائم مقام مدیر عامل بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران دیروز در گفتگویی با خبرنگاری پارسی ضمن اعلام این مطالب اظهار داشت بنیاد خدمات مالی جمهوری اسلامی ایران برای ریشه کن کردن ربا از طریق حل مشکلات مالی و رفع حواج جامعه و تعاون در امور خیریه و برپه و نتیجتاً احیاء اقتصاد سالم اسلامی در کشور تشکیل شده است. وی سپس افزود برای دستیابی به اهداف این بنیاد فعالیتهای آن باین شرح در نظر گرفته شده است: گشایش حساب جاری، حساب تعاون، صدور ضمانتنامه، نگهداری اسناد و اوراق بهادار و وصول آنها، قبول امانات و نگهداری و حفظ آنها، قبول وصایت، قیمومیت، وکالت، مشاوره مدیریت شرکتها، قبول مشارکت، مضاربه، مزایعه و مسائلات و در حقیقت بکار گرفتن

در این بنیاد خدمات مالی غیر انتفاعی بوده و فعالیت آن بر اساس مشارکت، مضاربه و مزایعه خواهد بود

این بنیاد برای فعالیتهای صنعتی کوچک تا ۵۰ هزار ریال وام می پردازد

در مورد خدمات این بنیاد اعضا بنیاد حق اولویت و تقدیم دارند ولی هیات مؤسس بهج طریق

در این بنیاد خدمات مالی غیر انتفاعی بوده و فعالیت آن بر اساس مشارکت، مضاربه و مزایعه خواهد بود

این بنیاد برای فعالیتهای صنعتی کوچک تا ۵۰ هزار ریال وام می پردازد

در مورد خدمات این بنیاد اعضا بنیاد حق اولویت و تقدیم دارند ولی هیات مؤسس بهج طریق

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات  
ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# بنیاد خدمات مالی

بقیه از صفحه ۸

نکات دیگر اشاره شده در همین قسمت صاحب، یعنی مشارکت، مضاربه، ومزارعه... دیگر جای تردیدی در تأیید بهره و ربا از جانب دولت جمهوری اسلامی باقی نمیگذارد. ببینیم قانون مدنی در مورد این نکات چه میگوید:

"مزارعه، عقدی است که به موجب آن احد طرفین زمینی را برای مدت معین بطرف دیگر میدهد که آنرا زراعت کرده و حاصل را تقسیم کند (قانون مدنی ماده ۵۱۸). در عقد مزارعه حصه هریک از مزارع (یا در واقع مالک یا مالک منافع) و عامل (مثلا اجاره دار یا آنکه زمین را به زرع گرفته) یا بیدیه نحو اشاعه از قبیل ربع یا ثلث یا نصف و غیره متعین گردد و اگر به نحو دیگر باشد حکام مزارعه جاری نخواهد شد (قانون مدنی ماده ۵۱۹).

آنچه از این قانون و دیگر مواد مطروحه در قانون مدنی برمیآید، سهم بری مالک زمین (یا مالک منافع یا بعنوانی از عناوین، از قبیل ولایت و غیره "ماده ۵۲۲) است بدون آنکه روی زمین کاری انجام دهد، یعنی دقیقا همان بهره مالکانه یا استثماری روستایان به جیب زمینداران و مالکین سرازیر میشود، چرا که این قانون صراحت دارد: "عامل میتواند برای زراعت اجیر بگیرد" ماده ۵۴۱ - این اجیران چه کسانی هستند؟ هیئت موسس بنیاد خدمات مالی؟ مسلمانان، اجیرها آن توده های زحمتکش روستایی اند که برای گذران معیشتشان مجبورند به کار مزدوری تن در دهند.

و بهمین ترتیب مضاربه و مشارکت و... بر اساس همین قانون مضاربه چیزی نیست مگر بهره تجارت که به صاحب سرمایه برگردانده میشود و در واقع فرع پول است که مضمونش دیگر بر همگان روشن گردیده، و اینجاست که محتوای واقعی بازرگانی شروع "ادعای آقایان روشن می گردد، تعجب نیز ندارد، و وقتی کسی "مالکیت مشروع"، پوششی برای دفاع از مالکیت خصوصی سرمایه داران و زمینداران باشد، بدیهی است بازرگانی شروع هم چیزی جز بهره تجارت نخواهد بود و در ثانی هنگامی که آقای عربشاهی میگوید: "بنیاد در صنایع کوچک و کارخانجات ملی نشده، مشارکت کرده و مواد اولیه را مهیا خواهد کرد"، از مشارکت چه درکی دارد؟ آیا مشارکت در بنیاد این چنین، غیر از تعیین سود و زیان دویا چندتن است که با سرمایه های معین در زمانهای مشخصی بازرگانان را پرداخته اند؟

ما فقط از این عالیجنابان محترم

با نکداری می پرسیم، چرا محتوای حقوقی یکایک این مواد را که در قانون مدنی نیز آمده برای توده ها روشن نمیکنید؟ شاید بگوئید، قانون مدنی، از آن رژیم شاه مزدور است، و مورد تأیید ما نیست. هر چند که گفته آید تا تدوین قوانین جدید، قوانین گذشته به قوت خود باقی است و بر همان اساس نیز عمل می شود، که عمل هم کرده آید، بهر حال اگر جزاین است، پس چیست؟

آیا بدین ترتیب جزاینست که دولت جمهوری اسلامی، از آنجا که از یک سو با بی اعتبار شدن بانکها مواجه گردیده و از دیگر سو از آنجا که با بدهی های موسسات اقتصادی را از طریق اعتبارات بانکی تامین کند، در صدد تشکیل "بنیاد خدمات مالی" برآمده است تا با گردآوری سرمایه، مشارکت در صنعت و تجارت و دریافت حق العمل و... صنایع وابسته را بکار اندازد؛ و هماهنگی در پیش اشاره کردیم، عربشاهی خود صراحتا میگوید: "بکار گرفتن دارائی بنیاد از طریق عملیات بازرگانی شروع در ایجاد بنیه عمومی عام المنفعه، راه سازی و کلیه امور بازرگانی" چرا که خوب میدانند که امروز بازرگانان و صنایع چنان پیوند مستحکم و ناگسستنی با بانکها دارند که بدون عملیات بانکی مقابل با بحران اقتصادی امریست محال.

در خصوص اینکه سرمایه این بنیاد یا در حقیقت این بانک چگونه تأمین خواهد شد نیز جایی نگرانی نیست. بنیاد از طریق قبول عضویت، اشخاص حقیقی و حقوقی را به عضویت قبول کرده و حق عضویت پنج هزار ریال خواهد بود. این پول غیر قابل برگشت خواهد بود "بیانی دیگر از این روشن تر امکان نداشت. تما حباب اندوخته ها و پس انداز مردم، بخاطر رهایی از یک اقتصاد دور شکسته و کمک به صنایع وابسته، تازه این سرمایه چگونه عمل می کند؟ عربشاهی میگوید: "چنانچه بنیاد در آمدی داشته باشد یا شد! در پایان نیمی از درآمد بعنوان ذخیره به دارائی بنیاد اضافه میشود". آقای قائم مقام بی پرده از سرمایه ثابت و متغیر صحبت کرده (با آنگونه که در شرکتها مرسوم است از دارائی های ثابت و جاری). در اینجا بیان ایشان کاملاً روشن است، آنچه که بعنوان ذخیره به دارائی بنیاد اضافه میشود، در واقع همان سرمایه ثابتی است که هر روز برای استعمار کارگران و زحمتکشان برجسته افزوده میشود و سرمایه گذارهای بزرگتری را بدنبال می آورد و دیگر نیز سرمایه

متغیر است که به خرید نیروی کار اختصاص می یابد در واقع دستمزدها را پرداخت می کند، که این نیروی کار نه تنها حیران دریافت دستمزدش را می کند بلکه مقداری باز به دارائی (ثابت) بنیاد (کارفرما - بانک) می افزاید.

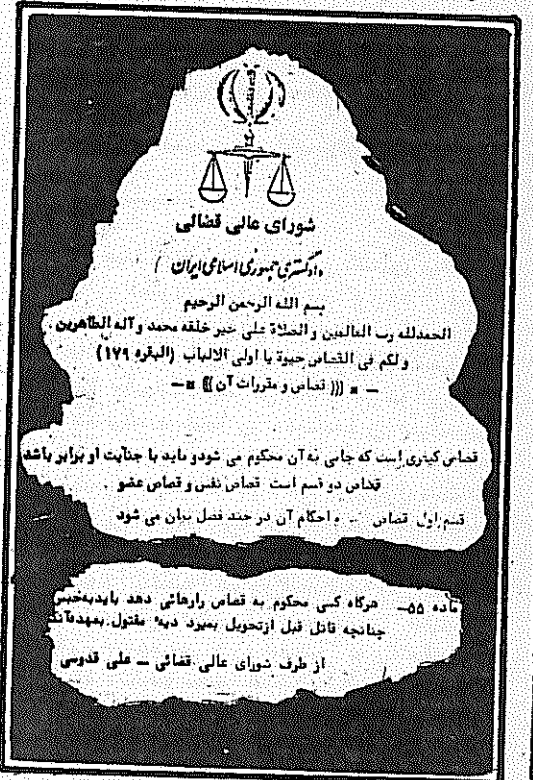
با تمامی این احوال قائم مقام بنیاد با ز مدعی است که بنیاد غیر انتفاعی بوده و نه بهره می برد از دونه دریافت میدارد، هر چند که خود، برای آنکس که سوء تعبیری نشود! بلافاصله اظهار میدارد که در آمد بنیاد "در اوقات ماضی چون مشارکت و مضاربه و مزارعه" خواهد بود که دیدیم هریک از این عبارات که دولت جمهوری اسلامی بدان طریق سعی در تحمیل توده ها دارد به چه معناست. آری، غیر انتفاعی است، لکن برای زحمتکش چرا که بانک، نهاد سودآوری است که انواع درآمد های پولی را جمع آوری نموده و در اختیار سرمایه دار می گذارد. ممکن است آقای عربشاهی و هم پالگی هایشان بگویند، ما وام بدون بهره تا ۵ هزار تومان میدهیم، ولی دیگر این نوع کلمات فریبناک و پوشاننده لباس پرزرق و برق بر آن نیات بورژوازی، توده ها را که هر روز بیش از پیش به ما هیت این رژیم پستی میبرند، فریب نخواهد داد. زیرا روشن است دولت سرمایه داران نگاه که با رشد همبازات گسترده توده ها روبرو می گردد به منظور خاموش کردن حرکات اعتراضی تن به انجام برخی فرم ها و اعطاء امتیازها می دهد و حتی آنجا که با بحران اقتصادی مواجه است، به منظور به حرکت درآوردن چرخ های صنعت، حاضر به حذف بهره نیز می گردد. تازه از آقایان باید پرسید، شما به چه کسی وام میدهید؟ یا به توده های زحمتکشی که در آمد امروزشان کفاف مخارج فردایشان را نمیدهد؟ و چه خوب که خود معترف هستید: "در مورد خدمات این بنیاد، اعضاء بنیاد احق الویبت و تقدیم (تقدم) دارند". بدین ترتیب آشکار می گردد، آنچه را که آقای قائم مقام بنیاد خدمات مالی یک سبک بر شمرده، هیچ یک، نه تنها دلیلی بر حذف بهره و ربا از جانب دولت جمهوری اسلامی نیست بلکه بنا نهادن بنیادی چون بنیاد خدمات مالی تنها نشانه وجود دولت تنزیل خواری است که برای رهایی از مشکلات مالی، از کاهش نقدینگی با نکها و نیز به راه انداختن صنایع وابسته و نجات نظام سرمایه داری در حال گنبدیگی به هر حیل و دستاویزی توسل می جوید که این بنیاد قالب بانک فوین تحت عنوان بنیاد خدمات مالی (البته برای سرمایه داران) در شکل اسلامی ولیکن در محتوا سرمایه داری، رخ نموده است، بطوریکه، بهره "بازرگانی شروع" اش در قالب مضاربه، بهره مالکانه اش در مزارعه و سودبیری اش از سرمایه گذار ربا در مشارکت، تحقق می پذیرد که سیستم عملیاتی اش همان سیستم عملیات بانکی است.

## سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرد



# “ لایحه قانونی قصاص ” “ قانونی بغایت ارتجاعی و توطئه ای علیه ابتدائی ترین حقوق توده ها ”

بقیه از صفحه ۱  
ما از مضمون همه این “قوانین” تازه ای که تدوین شده “و آذنی که برای مردم پخته شده و با بدبختی و مصیبت مجلس بخورد مردم داده شود، بی اطلاعیم. اما فعلاتوا نسته ایم به یکی از دست پخت های شورای عالی قضائی بنام “قانون قصاص” دسترسی پیدا کنیم. این لایحه که در ۵۵ ماده تنظیم گردیده و عنوان “قانون قصاص” را دارد ظاهراً با یکصد جایگزین “مبحث قتل” در قانون مجازات بشود.



یک نگاه سطحی با بین لایحه آشکار میسازد که سردمداران جمهوری اسلامی خیال دارند یک مشت قوانین بغایت ارتجاعی قرون وسطائی را در ربع آخر قرن بیستم به مردم تحمیل کنند. از آنجا که با تصویب چنین لایحه ای ابتدائی ترین حقوق انسانی توده ها در معرض خطر بزرگی قرار میگیرد لازم دانستیم با بررسی مفاد این لایحه قانونی توده ها را در جریان این توطئه خطرناک قرار دهیم. آنچه در نظر اول جلب توجه میکند تفاوت اساسی است که این لایحه با تمام قوانین جزائی دوران کنونی دارا می باشد. امروزه تقریباً در تمام کشورهای جهان - اعجاز سرمایه داری و سوسیالیستی - قتل و

جرم عمومی تلقی میشوند خصوصی، یعنی اساساً برای این جنحه و جنایات نظام اجتماعی را بر هم زده و بر مدعی العموم است که بستن رسیدگی کند. پس اولین نتیجه ای که از این تلقی حاصل میشود اینست که در مجازات ها مسئله انتقام کشی خصوصی مطرح نباشد. اما در دوران فتوای و بخصوص در جوامع عشیره ای و قبیله قتل اتفاق می افتد قاتل را به قبیله مقتول تحویل میدهند و خویشان و بستگان مقتول یا “ولیاء دم” برای آنکه انتقام مقتول را از قاتل بگیرند یا او را بهمان ترتیبی که مقتول کشته شده بود بقتل میرسانند یا اینکه با گرفتن خونبها (دیه) او را آزاد میگردند. در اینجا اصل تسکین حس انتقام کشی. بستگان مقتول یا “ولیاء دم” منظور نظر بود، نه جامعه. اما فلسفه مجازات ها در نظام بورژوازی در ظاهر تا مین منافع عموم! و “اصلاح جامعه” است. بنا بر این “جامعه” باید تشخیص دهد که به مجازاتی برای قاتل مهمترین عمل است و در این رابطه است که چه بسا برای “اصلاح جامعه” کشتن قاتل یا ضارب صلاح بوده و یا ضرورتی نداشته باشد. واضح است که در اینجا منظور از “جامعه” و “اصلاح جامعه”، تا مین منافع طبقه بورژوازی و حفظ جامعه بورژوازی مورد نظر قانونگذاران در تدوین قوانین است. اما باید توجه داشت تغییر ماهیت جنحه و جنایت از جرم خصوصی به جرم عمومی از دیدگاه تاریخی تحولی در حقوق بود. این مسئله جهشی در جهت پیشرفت بود زیرا خصوصی دانستن جرم جنحه و جنایت در جوامع ما قبل سرمایه داری باعث میگردید که مجازاتها اولاً جنبه ستمگری طبقه تیش در نهایت شدت بوده و ثانیاً با شکل وحشتناکی توسط صاحبان زور و زور علیه توده های تحت ستم اعمال گردد.

اولیاء دم (بستگان مقتول) میتوانند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او وقتاً را با رعایت شرایطی که خواهد آمد مدعی قتل برسانند (تا کید و پراستزماست) متن ماده ۱ لایحه قانون قصاص بر آنجه گفتیم، یعنی خصوصی دانستن جرم قتل، آنچنان صراحت دارد که احتیاجی به توضیح بیشتر ندارد. اما مسئله اینجاست که ختم نمیشود. این قانون نه تنها حقوق مجازات را به مدعی خصوصی میدهد بلکه درست مثل دوران عتیق حق اجرای حکم را هم با و محول میکند. ماده ۱۵۳ این لایحه چنین است.  
“ولی دم (بستگان مقتول) بعد از اذن ولی مسلمین و نبودن محدود (مانع) و فساد نمیتواند شخصاً قاتل را قصاص کند چنانچه نمیتواند در اجرای قصاص وکیل بگیرد (تا کیدها و پراستزماست) یا تصویب این لایحه توسط مجلس، بنظر میرسد شغل جدیدی بنام مجری قصاص (میر غضب یا جلاد) بوجود می آید که اگر بستگان مقتول نخواهند برای اجرای قصاص وکیل بگیرند از این “جلادان” حرفه ای استفاده کنند! و بدیهی است که این جلادان با یکسدر شمشیر زدن و قطع کردن! استاد دیا شد. زیرا ماده ۱۵۱ این لایحه اعلام میدارد:  
“قصاص با آلت کند و غیر برنده کسه موجب آزار جانی باشد چنانچه نیست بلکه با بدبختی شمشیر تیز کردن او را بزند یا...!!  
قانون مجازات عمومی ایران و آئین دادرسی کیفری که پس از انقلاب مشروطیت بجای مقررات شرعی تدوین شد برای هرگونه جرمی دو جنبه قائل شده است که جنبه اصلی و اساسی آنست: بخاطر آنکه نظم عمومی را مختل کرده، جنبه عمومی آن دانسته است، اما جنبه خصوصی آن جبران خسارت شاکی خصوصی (از جهت ضروریان مالی) را در بر میگیرد. و از این جهت است که مسئولیت رسیدگی و تعقیب مجرم بعهده مدعی العموم یا دادستان گذاشته شده است و گذشت شاکی خصوصی از حق خود سبب تعقیب و مجازاتی را متوقف نخواهد کرد. بلکه تنها موجب تخفیف در مجازات خواهد شد. مواد ۲۰ و ۳۰ آئین دادرسی کیفری ناظر بر این موارد بوده و بخش عمده این قانون در توضیح وظایف بازپرسها و دادستان است که بنام مدعی العموم اقدام میکنند.  
حال جمهوری اسلامی میخواهد بقیه در صفحه ۱۲

## پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی - مکرانیک خلقهای ایران

# لایحه قانونی قصاص

بقیه از صفحه ۱۱

قوانینی را اجانین قوانین فعلی کند که یک گام نسبت به قوانینی که در انقلاب مشروطه به تصویب رسید، عقب مانده تر و ارتجاعی تر است و پرواضح است که مردم ایران نمیتوانند پس از ۲۰ سال که از انقلاب مشروطیت میگذرد بعبوض تصویب قوانین مترقی تر یا جایگزینی قوانین ارتجاعی و عقب مانده تری را بجای قوانینی که پیروز انقلاب مشروطیت تدوین گردید، تحمل کنند. در زیر به جنبه های دیگر این لایحه ارتجاعی و ناقص حقوق توده ها می پردازیم.

## زن مساوی است با نصف مرد

اگر تا کنون دولت جمهوری اسلامی سعی کرده است برای جاقا متعده یک نسبت به زنان زودا داشته پرده ساتری از توجیهاات "مکتبی" کشیده و آنرا کتمان کند و اگر رهبران جمهوری اسلامی حتی کسانیکه بعنوان نماینده زنان در مجلس شورا سنگ زنان را به سینه میزنند بیوسنه این امر که در جمهوری اسلامی زنان ارزش معادل نصف مردان دارند را منکر میشدند اینک با اجرای این لایحه قانونی مسئله آنچنان روشن است که حرفی برای توجیح نخواهند داشت. ماده ۵ لایحه قانون قصاص میگوید:

"هرگاه مرد مسلماتی عمدا زن مسلماتی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد و یا

ماده ۷ مقرر میدارد: "و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد را به او بپردازد"

این بدین معنی است که اگر مردی زنی را بکشد عم از آنکه زن مسلمان و یا غیر مسلمان باشد در صورتی مرد قاتل قصاص میشود که بستگان زن مقتول مبلغی معادل نصف خونبهای (دیه) یک مرد را قبل از قصاص به او بپردازند. یعنی اگر مثلا خونبهای یک مرد بنا بر مقررات شرع ۸۰ شتر باشد، بستگان زن مقتول باید ۴۰ شتر به قاتل بپردازند و یا در تنظیم ورا قصاص کنند! باید دید که تنظیم کنندگان این لایحه؛ شورا عالی قضائی (بهشتی، موسوی اردبیلی، قدوسی...) چگونه یکچنین ستم آشکاری را نسبت به زنان که نیمی از جمعیت را تشکیل میدهند توجیح

میکنند؟! چگونه با این وقاحت ارزش زن را به نصف مرد تقلیل داده اند در حالیکه همیشه از نقش پراهمیت آنان در قیام و "بیروزی نیدست آمده" داد سخن داده اند! شاید اینرا هم دلیلی بر اعتقادشان به "حرمت زن تلقی میکنند؟! اما تنزل موقعیت زن در این لایحه بهمین جا خاتمه نمی یابد. در این لایحه آنجائیکه مسئله ارزش حقوقی زن و مرد در دادرسی مطرح میشود، لایحه قانونی قصاص موقعیت زن را از نصف مرد هم تنزل داده تا جائیکه برای شهادت در قتل عمد، شهادت زن را به هیچ می شمارد. ماده ۳۳ که راههای ثبوت قتل عمد در دادگاه را ذکر میکند وقتی به مسئله شهادت اشاره میکند چنین میگوید:

"قتل عمد فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت میشود" (تا کیدها آزماست) اصرا بر نایده گرفتن حقوق زن آن چنان بردیدگاه شورای عالی قضائی مستولی بوده است که حتی با شکل اعطی مقرراتی که وضع کرده اند توجیه نداشتند مثلا در نظر نگرفته اند اگر در محلی قتل واقع شود و فقط زبان حضور داشته باشد با توجه با اینکه شهادت زنان در مورد قتل عمد مسموع نخواهد بود، چگونه میتوان قتل عمد را اثبات و قاتل را شناسائی کرد؟! در رابطه با تنزل موقعیت زن، لایحه قصاص با زهم موارد بسیاری دارد و از جمله در ماده ۱۶ چنین آمده است:

"هرگاه پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد قصاص نمیشود بلکه... و غیر پدری جد پدری ما ننند دیگران قصاص میشود. یعنی عدم انجام قصاص در مورد مادر مصداق داشته و مقررات قصاص درباره او اجرا خواهد شد! در اینجا هم برای پدر و جد پدری قاتل فرزند معافیت از قصاص پیش بینی شده در حالیکه برای مادر چنین حقی قائل نشده است. این امر بدیهی است که اگر حقی مطرح باشد، مادر نسبت به فرزند دارای حق بیشتری است تا جد پدری!

همچنین در ماده ۲۳ کشته شدن زن توسط شوهر (در حالیکه در حال زنا بوده باشد) معاف از قصاص تلقی شده و اصولا کشتن زن زانی جایز دانسته شده. عین ماده چنین است:

"اگر شوهر کسی را در حال زنا یا زن خود ببیند که کشتن هزدوی آنها برای (خصوصی) شوهر جایز است و در همه این موارد قصاص قاتل جایز است" جوازی که این قانون به شوهر برای قتل میدهد بسیار ظالمانه و برخلاف اصول حقوق بشر است، بخصوص که این جواز یکطرفه و فقط برای مرد است. در عین حال این جواز و همچنین معافیت از مجازات قاتل موجب سوء استفاده های بسیاری میشود.

کشتن افراد به پناه دشنام به پیغمبر اکرم و... جایز است

لایحه قصاص ضمن بر شمردن مواردی که قصاص اجرا نخواهد شد، قتل ناشی از دشنام دادن به "پیا میرا کرم، پیا اشمه اطها رویا حضرت زهرا (ع) راهم از مواردی دانسته که قصاص قاتل جایز نخواهد بود. ماده ۲۳ ناظر بر این مورد است. با توجه با اینکه هرکس نمونه های بسیاری را سراغ دارد که افراد به اتهامات واهی و تنها با یک گزارش پاسدار یا ما مور کمیته دستگیر و حتی اعدا شده اند، از هم اکنون میتوان گفت که این قانون حکم قتل سهل و ساده ای را صادر کرده است. با وجود این ماده از قانون قصاص دیگر کار ما مورین مسلح رسمی و یا غیر رسمی و باندهای سیاه "مکتبی" بمراتب آسان تر شده که هرکس را که بخواهند از بین ببرند با یک برجسب "دشنام به پیا میرا کرم..." کار او را ساخته و مطابق ماده ۲۳ این قانون نگرانی هم از مجازات نداشته باشند!

حقا که با یدیه اعضاء شورای عالی قضائی این "مدافعان حقوق مردم" برای تدوین چنین قوانینی جایزه داد!!

لایحه قصاص قاتلین مسلمان شهروندان غیر مسلمان را مستحق قصاص نمی داند!

هر چند لایحه قصاص از کشتن یک غیر مسلمان ذکری بمیان نیاورده؟! است ولی استنباط از مواد این قانون که همه جا از مسلمان نام می برد میتوان استنتا کرد که قصاص فقط در مواردی است که یک مسلمان، مسلمان دیگری را بقتل میرساند و یا مطابق ماده ۷ کا فردمی عمدا کا فردمی دیگری را بکشد. اما مقررات موجود در فقه شیعه که این قانون هم عینا از آن گرفته شده است، صراحت دارد که اگر مرد مسلماتی، کا فردمی - یعنی یکی از پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زردشتی - را بقتل برساند، کشته نخواهد شد بلکه تنها باید مبلغی (مثلا معادل ۸۰۰ درهم نقره) به بستگان مقتول (ولی دم) بپردازد. بنظر میرسد که تنظیم کنندگان این لایحه بخاطر جلوگیری از بی پروا شدن بیشتر این مورد را صراحتا و مشخصا در متن لایحه نیاورده ولی بهر حال چنین کمی در مورد افراد غیر مسلمان کشته قتل واقع شوند از مقررات قانون قصاص بطور ضمنی قابل استنتاج است. با این ترتیب ملاحظه میشود چگونه شهرندان غیر مسلمان ما، ایرانیان درجه ۱ بحساب آمده و چگونه قانون تنظیمی شورا عالی قضائی سر نوشت این مسلمانان را صرفا بخاطر کشتن دینی وای اسلام ملعنه دست جنایتکارانی رده است که از فردای تصویب این لایحه بدون ترس از مجازات اقدام به کشتن آنان کنند!

بقیه در صفحه ۱۳

# سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

### لایحه قانونی قصاص بطور بازری خصلت طبقه‌بندی دارد.

در این لایحه همه چیز بد رجه ثروت با تل و بستگان مقتول بستگی دارد از نجاتیکه در لایحه قصاص جرم و مجازات بنیه خصوصی دارد به جنبه عمومی آن اهمیت چندانی داده نمیشود. بنا بر این همه چیز در اختیار بستگان مقتول (ولی دم) بوده و تصمیمگیری آنها به وضع مالی آنها بستگی دارد. در اینجا ناگی خصوصی است که بسته به پولداری بی چیزیش تصمیم بگیرد. مثلاً در مورد ماده ۵ موضوع قتل زن مسلمان بدست مردم مسلمان چون بستگان مقتول (ولی دم) باید نصف خونبهای مرد را بپردازد تا بتواند او را قصاص کند، لذا در صورتیکه امکان مالی نداشته باشد که خونبها را بپردازد عملاً قاتل از مجازات معاف خواهد شد. و با مطابقت ماده ۸ این قانون بستگان مقتول (ولی دم) با زای کشتن یک فرد، در صورتیکه چند نفر در آن شرکت داشته باشند، میتوانند حکم به قصاص همه آنها بدهند مشروط با اینکه قادر باشند ما به التفاوت خونبهای آنها را بپردازد. و بدیهی است اگر پولدار نباشد عملاً همه آنها معاف از مجازات خواهند بود. ماده ۸ عیناً چنین است: "هرگاه دو یا چند مسلمان مشترکاً مردم مسلمان را بکشند ولی دم میتواند با اذن ولی مسلمین یا نماینده او و همه آنها را قصاص کند ولیکن در صورتیکه قاتل دو نفر باشد یا بدیهی که تمام آنها نصف خونبها (دیه) بپردازد و... به همین نسبت در افراد بیشتر تصور کنید در یک روستا نزاری بین مالک با تعدادی از دهقانان درگیر بود این میان مالک کشته شود. با وجود این قانون بستگان مالک (که از ثروت کافی برخوردارند) میتوانند دهقان را با پرداخت ما به التفاوت خونبهای آنان، به تقاص یک مالک قصاص کنند!!

از سوی دیگر این امر در مورد قاتل هم صادق است. در صورتیکه قاتل خود ثروتمند نباشد میتواند با پرداخت خونبهای مناسبی بستگان مقتول (اولیای دم) را به عفو ترغیب کند و چون مجازات و با عدم مجازات کلاً در دست آنهاست قاتل میتواند از مجازات معاف شود. درحالیکه اگر او فردی فقیر باشد قصاص او حتمی است.

ما در این مقاله به رهوس مسائلی که در لایحه قانونی قصاص وجود دارد اشاره کردیم و به جزئیات آن نپرداختیم خواننده میتواند از همین مختصر به ابعاد و احوشتناک ارتجاعی بودن این قانون که ابتدائی ترین حقوق توده‌ها را پاپمال کرده و روی قوانین قرون

### "لایحه قانونی قصاص"...

بقیه از صفحه ۱۲

وسطی و تسلط ارباب کلیسیا و انگلیزیسیون را سفید کرده، بی ببرند. اگر تدوین لایحه قصاص نمایانگر تسلط یکسری مقررات ارتجاعی است و از این نظر در مقابل توده‌ها قرار می‌گیرد اما این تنها بخش کوچکی از واقعیت است. حقیقت اینست که تدوین چنین قانونی در شرایط کنونی توطئه خطرناکی را بدنبال دارد: ما دیدیم که چگونه ماده ۲۲ کسی را که به "پیا میرا کرم" دشنام دهد مستحق قتل میدانند و کسی که او را بقتل میرساند معاف از قصاص میدانند.

آیا گنجانیدن چنین ماده‌ای در شرایط کنونی که فالاترهای حزب الهی تحت رهبری سردمداران رژیم هر روز به نیروهای انقلابی و مارکسیست‌ها حمله میکنند جوازی برای قتل و جرح آنان و معافیت از مجازات نیست؟

نیروهای راستین مسلمان مذهبی میدانند که نیروهای کمونیست به معتقدات مردم احترام میگذارند و هیچگاه بخود اجازه نمیدهند به معتقدات مردم توهین کنند. چه رسد دشنام دادن به "پیا میرا کرم" اما مردم بارها و بارها دیده اند که چگونه نیروهای ضد مردمی و فالاترین حمایت نیروهای مسلح تحت عنوان مسخره بی‌دین و منافق به نیروهای انقلابی حمله کرده اند و تا سرحد کشتار آنان پیش رفتند و اکنون با تدوین این مقررات، حربه خوبی بدست آنان میدهند تا با برچسب دشنام اقدام به از بین بردن آنان کنند. یا اینکه بسا زنده کردن مقررات شرعی درباره کشتن افراد غیر مسلمان توسط مسلمانها و عدم اجرای قصاص درباره قاتل و تنهاسا پرداخت مبلغی بابت خونبها، اعلام خطر دیگری است بر حاکم شدن قوانین تبعیض نژادی و مذهبی که با زقربانیان آن نیروهای مترقی و انقلابی اقلیت‌های ملی - مذهبی ایران خواهد بود. نکته مهم دیگری که با زدر اینجا جلب توجه میکند و خطری را متوجه نیروهای انقلابی جا مع میسازد ملامت تشخیص مسلمان و غیر مسلمان است. اکنون همه چیز، ریش و قیچی، در دست حکام شرع است که آنان چگونه تعبیری از مسلمان داشته باشند زیرا بطوریکه می‌بینیم آنان نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق را منافق دانستند و مسلمانان نمیدانند و حتی پارافراتر گذاشته که: "منافقین از کفار بدترند" و

و بدین ترتیب می‌بینیم که دامنه غیر مسلمان قلمداد کردن مردم بسیار وسیع و گسترده است و با تصویب قانون قصاص آش خوبی برای آنها پخته شده است! لازم به یاد آوری است که این قانون مقدمه و پیش در آمد قوانین دیگری از نوع قصاص عضو، حدود و تعذیرات است که دست بردن، کور کردن، سنگسار کردن، در کیسه کردن و ازبالی کوه به پائین پرت کردن (که نمونه‌های آن بدستور حاکم شرع کرمان "فهییم" اجرا شده است) خواهد بود. این هنوز از نتایج اسحر است! ما به تمام نیروهای انقلابی، مترقی و دمکرات جامعه، به تمام سازمانهای دمکراتیک، سازمانهای حقوقی و زنان و همه مردم ایران هشدار میدهم که با بدست تمام توطئه‌های لایحه قصاص و نظایر آن به مقابله جدی برخیزند و ما تصویب آن از مجلس گردند، رژیم جمهوری اسلامی باید بفهمد مردی که رژیم ضد خلقی شاه را سرنگون کردند، مسلم است که زیر بار چنین قوانینی بگایب ارتجاعی و قرون وسطا نشی نخواهند رفت.

### آزادی معاملات مسکن...

بقیه از صفحه ۱۰

و از آنجا که مساله شناسائی و مهاجرت خانه‌های خالی منتفی شده بود ما حبان مساکن با بین دفتر جهت معرفی منازل خالی خود مراجعه نکردند اما عملکرد این دفتر در مدت شش ماه حیات خود، شرایطی که در سخنان شا درخ سرپرست دفتر معاملات مسکن آمده، گاملا روشن است. او با صراحت تمام اولویت را، داشتن نقدینگی و وام مسکن میداند. با این شرط، آنچه مسلم است که رگران و زحمتکشان مشمول نخواهند بود چرا که حتی مخارج روزانه زندگیشان بسختی تا مین میگردند و بنا بر ادعای رئیس دفتر معاملات مسکن چون نقدینگی ندارند محکومند همچنان در آلونک‌ها، کپرها، زاغها و گودها زندگی کنند.

اما اینکه همین لایحه نیولغومی گردد و مساله، معاملات آزاد مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار میگیرد دقیقاً با این دلیل است که رکود نسبی در معاملات ارضی و مستغلات به سوده‌های سرشار زمین داران و صاحبان املاک و مستغلات صدمه زده است و طبیعتاً رغبتی به سرمایه‌گذاری مجدد نشان نمیدهند و از آنجا که دولت نیز حافظ منافع آنان است با تصویب لوایح جدید بنا بر سخنان آقای گنا با دی دولت بخش خصوصی را تشویق به سرمایه گذاری خواهد کرد تا بیش از پیش به غارت زحمتکشان شدت بخشد و توده‌ها به تجربه خواهند آموخت که تنها می‌تواند با تبلیغات رژیم جمهوری اسلامی در مورد مسکن پوچ و توخالی و عوامفریبی بوده است و بخوبی درمی‌یابند که در پشت جملات فریبنده و لوایح فوق چه مقاصد پنهان شده است.

اتکاء به نیروی توده‌ها برای صلح دمکراتیک در کردستان بکوشیم

# مردم چه میگویند، مردم چه میخواهند؟

## از میان گزارشها



وضع جا معه غیرا دی است . صف های طولانی ، کمبود ، گرانی ، بیکاری ، نبود مسکن و مصائب جنگ توده ها را بشدت معترض کرده است و اعتمادنا آگاهانه ای که در گذشته نسبت به رژیم وجود داشت بسرعت جای خود را به بی اعتمادی میدهد این بی اعتمادی بوضوح در سخنان و برخوردهای مردم در صف ، توبوس ، منازه ، کوچه و خیابان ، انعکاس می یابد آنچه که بین مردم رد و بدل میشود و یا اتفاقاتی که در گوشه و کنار شهر رخ میدهد حاکی از آن است که شرایط مادی و ضرورت های عینی اجتناب ناپذیری که باعث بروز انقلاب شدند چنان ادامه دارند و مبارزات توده ای روز بروز گسترش بیشتری می یابد .

گزارشی که در زیر آمده است با زتاب مجموعه گزارشاتی است که رفقا با حضور فعال خود در بین مردم تهیه کرده اند .

با لاجرم توبوس نازی آبا در رسید و بعد از زکلی تنه خوردن سوار شدیم توبوس به قدری شلوغ بود که جای سوزن انداختن هم نبود مرد ۴۰ - ۵۰ ساله ای که یک گونی با خود داشت و انتهای توبوس روی آن نشسته بود گفت " آقا جنگه دیگه بایدتحمل کرد یک کمی جمع و جور اگر بایستند جای همه میشه " درست مثل اینکه کبریت به باروت بزنند در دل مردم شروع شد از هر طرف صدایی می آمد ما زن زحمتکش ۳۰ ساله ای که چادر برداشت و ایستاده بود با خشم بیشتری حرف میزد " آقا چرا ما فقط بایدتحمل کنیم ، شوهرم در جنگ آبا دان کشته شد گفتند جنگه من و فرزندم آواره شدیم گفتند جنگه بایدتحمل کرد ، هرچه به مجلس رفتم ، هرچه بهلهوی مقامات رفتم هیچکس ترتیب اثر نمی دهد و می گویند اینکه چیزی نیست ، ماهزارها شهید داده ایم بایدتحمل کرد اما برای خودشون که توخونه های گرم و راحت نشسته اند جنگ نیست " دوسه نفر از مسافرین گفتند خانم عیبی ندارد درست میشه . راننده توبوس گفت " چی عیبی ندارد خیلی هم غیب داره مثلا خود رئیس خط ، به ما می گفت که حرف از اضافه حقوق و اینها نزنین جنگه بایدتحمل کرد جوینی کنیدی کی نبود یگه خوب اگر جنگه که چرا از دوجا حقوق میگیری خوب

خودت صرفه جوئی کن " صدای یک پسر جوان از بالای توبوس آمد که " آقا جنگ بهانه شده مگر قبل از جنگ وضع ما بهتر بود ؟ " همه سرها به طرف پلکان توبوس چرخید و کمی سکوت ایجاد شد که با گریه یک پسر بچه ۶ - ۵ ساله به عقب نگاه کردم ما در بچه داد زد : تسو دیگه خفه شو ( و یک تکه نان بهش داد ) توبوس که نمی یابد ، قند که نیست چای که نیست پس ما انقلاب کردیم برای چه ؟ هزار کشته و زخمی دادیم ما هنوز هم بدبختی کم نشده ، بلکه زیاده شده " حاج خانم ۵۰ ساله ای که جلوی نشست به بود خطاب به ما در بچه گفت : " خانم ما برای شکم انقلاب نکردیم " مادر اشاره ای به بچه اش کرد و گفت " اتفاقا ما برای شکم انقلاب کردیم چون در زمان شاه هم سلام و دین داشتیم حالا که تازه دیندار نشده ایم . " حاج خانم با عصبانیت گفت " هر کسی که می گویند و شکر نیست خدا انقلاب است " ما در بچه نیم خیز دستش را دراز کرده و با صدای بلند داد زد : " خدا انقلاب اون شوهر شکم گنده ات است همین اونها هستند و شما هستی که در همه جا دم پیدا کردید و هوسی می کنید جنگ است آخر ما جنگ میخواهیم چکار جنگی که برای ما بدبختی بیارد میخواهیم چکار " یک پیر مرد که به نظر می آمد سبک بار شده داشت چرت میزد با صدای دا دوبیداد بخود آمد و گفت : " صلوات " ولی هیچکس گوش نکرد و بحث ادامه یافت . مرد ۳۰ ساله زحمتکشی که نزدیک من ایستاده بود گفت " عجب وضعی شده داداش تاسا میخواهیم حرف بزنیم تو می زنی تودهنم " اون یکی میخواهیم حرف بزنیم میزنم توی دهنش در حالیکه میدونیم که چه خبره ! و میدونیم که همه با بدبختی داریم زندگی می کنیم تا کی باید سر خودمون و دیگران کلاه بگذاریم تا کسی باید خودمون را فریب بدهیم بهش گفتیم " اما ما که خودمان سر خودمان کلاه نمی گذاریم باید ببینیم کی میخواهیم سر ما کلاه بگذارد " مرد لبخند تلخی زد و جواب داد " بد نمیگی مثلثات حالا نتوانسته ایم تو محل خودمان یک شورای محلی بزنیم چون یک حاجی بازاری است که ما هر کس را انتخاب می کنیم می گوید بایدین است یا مجاهد

با فدایی ، و اسلامی دوتی این دولت تمام جوانان با معلومات را از مر جدا می کند " در همین حال توجه منوط صحبتیم به گروهی که دم در توبوس ج شده بودند و بحث میکردند جلب شده جوانی که روزنامه تودستش بیست و نوا نستم بفهمم که چه روزنامه ای است می گفت : " خوب بایدتحمل کنیدی دولت هم ندانم ، از کجا بیا ره بدهد به یک پسر جوان که کت سبز سرباز و شلوار لی پوشیده بود گفت " خدا پس چرا و از کجا اینقدر اسلحه میخورد از حلقوم این باریها و کارخان داران میلیونی بیکشه بیرون " در ایستگاه توبوس در ایستگاه ایستادیم زن مسن خانه دار در حالی که پیاده می آید اشاره کرد به جوان که " من که سواد ندانم و از این کارها سردرنمی آورم و میدونم همه این بدبختیها زیر سر این آخوندها است " من میخواستم بگم همه شان سرتاپای یک کربا سند و مگ همان دولت موقت نبود که کارگرها بیچاره را به گلوله بست و مگر بنی صدرت حالا چه کرده است ، که قبل از آنکه دهها با زکنم صدایی خشن و رسا از بین جمع که بحث میکردند بلند شد که " خوب درسه اگر نیا شد آدم بایدتحمل بکنند ولی اینک برای منی که پول ندا رمنیاشد و برای آنکه پول دار دیا شدا گرنیست خوب برای همه نیاشد " مرد روزنامه بدست گفت : انشا الله بنی صدرت اگر بذارن همه کارها را درست می کنند دعا کنید ارتش پیروز بشه نگ رئیس جمهوری پیروز شده " به اطرافم نگاه کردم تا زن جنگ زده را ببینم دیدم نیست گویا همان اوایل پیاده شده بود و من متوجه نشده بودم همسان مرد ۴۰ ساله ای که روی گونی آخ توبوس نشسته بود همطور که گونی را کفایت توبوس می کشا ندکه ببرددم در توبوس می گفت " من یکی که دعای نمیکنم چون نمی دانم این چه معمائی است که شاه هم به این ارتش زیاده می رسیده اینها هم همین کار را میکنند مثلامی گویند شعا ربه دهید که ارتش فدا و ملت ، ملت فدای ارتش اما موقع گران بیرونج ۱۲۰۰ ریال میدهند " توبوس به آخر خط رسیده بود همه داشتند پیاده میشدند اما بحث داغ شده بود و هر دو نفری در حال بحث پیاده می شدند ، رفتم توبویا ده رو کنا ره مان مرد ۳۰ ساله طرف صحبتیم در توبوس که اینجا کنا رسه نفر دیگر ایستاده بود یکی از آنها که جوان زحمتکشی بود داشت می گفت " هرچه بدبختی است سرما طبقه پائین میا دهمه اش این سرما یه داران سرما میا و رند در انقلاب و در جنگ همه اش ما کشته دادیم و اما اینها به حساب خودشان میگذارد ولی من هنوز هم توهمان کفاشی دارم پادوئی می کنم " دیگری گفت " راهیمائی ها را ما کردیم اعتصاب را ما کردیم ولی حالا یک عده دیگه ، ما حبا اختیار شده اند و الله نمیدانم تا حالا که هیچکدام به نفع ما کاری نکردن " .

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



### دهها هزار نفر از مراسم ۲۳ دی استقبال کردند

علیرغم همه تلاشهایی که از سوی نیروهای ضد انقلابی و هواداران حزب جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری مراسم ۲۳ دیماه صورت گرفته دهها هزار نفر از دعوت "کمیت" و برگزارکننده مراسم ۲۳ دی استقبال کردند و یکبار دیگر مصمم و قاطع به دفاع از آزادیها پرداختند و در مقابل سیاستهای ضد مکرانیک حاکمیت ایستادند.

این مراسم که بمنظور اعتراض به بستن دانشگاهها و بزرگداشت روز ۲۳ دی سال ۵۷ از سوی کمیته مزبور تدارک دیده شده بود مطابق بقرینا مه پیش بینی شده انجام گرفت اما اهداف آن توسط دهها هزار انقلابی پرشور و مردم آگاه و مبارز، در سراسر شهرات شاع یافت. مراسم بصورت تظاهرات در دو نقطه (چهارراه مصدق - انقلاب و چهارراه کارگر - جمهوری) ادامه یافت. استقبال پرشکوه نیروهای مبارز و هموطنان آگاه، مشت محکمی بر دهان باوه گویان بود و برای نیروهای انقلابی یک پیروزی!

برگزاری این مراسم نشان داد که چه کسانی مدافع مکرانیک هستند و چه کسانی بدروع خود را آزاد بخوانند و مکرانیک قلمداد میکنند. اطلاعیه دفتر رئیس جمهور بخوبی نشان داد که وقتی بنای مخالفت واقعی و اعتراض جدی در میان باشد، آقای رئیس جمهور لیسرا لیدر کناره و متحد سایر سران جمهوری اسلامی است و فقط برای فریب توده ها که و بیگانه از خفقان و سلب آزادیهای دکرانیک دم میزند.

همچنین در این روز حزب توده و "کمیته مرکزی" بیش از پیش تسلیم طلبی خویش را نشان دادند و برای مردم روشن شد که این نیروها حتی دیگر کو چکتر بن مخالفتی با سیاستهای دولت ندارند و کاملاً بن تسلیم شده اند.

این مراسم چشم اندازی از صف بندیهای نیروهای انقلابی و ضد انقلابی را نشان داد. ما در شماره بعدیه توضیح و بررسی بیشتر این حرکات خواهیم پرداخت.

### محافل امپریالیستی

بقیه از صفحه ۱۶

طبقه کارگر و کلیه خلقهای ایران در جهت رهایی از سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته و مغایر با منافع و مصالح جنبش ضد امپریالیستی - دکرانیک خلقهای ایران است. ما وظیفه خود میداریم ضمن دفاع از حقوق برحق و اهداف انقلابی جنبش دکرانیک خلق کرد، تلاشهای مذبحخانه امپریالیسم را خنثی کرده و افسانها را خنثی کنیم.

در رابطه با این توطئه گریهای محافل امپریالیستی دفتر ما مستلاً (سیدعزالدین حسینی) نیز با انتشار اطلاعیه ای شایعات مذکور را تکذیب نموده است و بلحاظ اهمیت انعکاسی تکذیب این خبر صدای آمریکا، ما این اطلاعیه را در ارگان سازمان چاپ میکنیم.

ضمناً حزب دکرانیک کردستان ایران نیز در برنا مه را دیوئی روز ۱۲/۱۰/۵۹ خود این شایعات را تکذیب نمود.

هم مبهنان مبارز! اکنون در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی دست به شدیدترین فشار روستر کوب علیه خلق قهرمان کرد زده است (کشتار زحمتکشان کرد، محاصره شدید اقتصادی و...) محافل امپریالیستی تلاش دارند، از این فرصت سودجسته و اهداف انقلابی و دکرانیک خلق کرد را لوث نمایند.

تردید نیست که هشیا ری و آگاهی خلق این توطئه ها را نیز خنثی خواهد کرد.

مبارزه انقلابی، توده ها در همین اعمال، اتوریتته توده ای نهفته است، در این امر نهفته است که آنها با زور قدرت خود را علیه سرمایه داران و زمینداران اعمال میکنند و هیچگونه قانون و مقررات محدودکننده ای را اعمال نمیکنند و شرعی برسمیت نمی شناسند و دقیقاً آن چیزی که یک فرد انقلابی را از دیگران متمایز میزند، برسمیت شناختن و تأیید این اتوریتته نامحدود توده ای است.

آیا زمینداران بزرگی که سالها بر دهقانان و زحمتکشان روستا ستم و استثمای رود داشته، زمینهای آنها را در طی سالهای سال غصب کرده اند، و تنها با اتکاء کار زحمت و تلاش دهقانان اکنون زمیندار بزرگ هستند، غاصب اند یا نه؟ آیا دهقانان حق دارند، این زمینها را مصادره کنند و مالکین را سرکوب کنند؟

فدائیان خلق پاسخ میدهند آری! غاصب و دزد زمینداران بزرگ اند، دهقانان حق دارند، زمینها را مصادره کنند. و کسانی که مانع مصادره های انقلابی از سوی کارگران و دهقانان میشوند، ضد انقلابی اند.

آیا زحمتکشان و توده های فقیر شهری مجازند که خانه ها، آپارتمانها و ویلاهای سرمایه داران را نیز مصادره کنند و در آنها اسکان گیرینند؟

ما پاسخ میدهیم آری! باید آنها توسط توده های زحمتکش مصادره شوند، زیرا که معلق بخود آنها هستند. ما میگوئیم سرمایه داران شمره کار کارگران را دزدیده اند، غصب کرده اند و بجهت زده اند. بنا بر این این خانه ها و آپارتمانهای سرمایه داران در اساس معلق بخود کارگران و زحمتکشان است.

آیا توده های زحمتکش مجازند، در شرایط کمبود کالاها و ما یحتاج زندگی زحمتکشان، علیه تجار و زرگان کلفت بازار که دست به احتکار میزنند، خون زحمتکشان را میمکنند و ما یحتاج عمومی را به قیمت بسیار گزاف میفروشند، دستت بعمل زده، در بانبارهای آنها را بگشایند، کالاهای آنها را مصادره کرده و بین زحمتکشان توزیع کنند؟

ما میگوئیم: آری! ما این تجار ثروتمند که امروز جمهوری اسلامی بهشت موعود آنها شده است، خون مردم را میمکنند، دست به احتکار میزنند و تمام اقدامات آنها علیه خلق است، آنها غاصب، دزد و بی شرفند، توده های زحمتکش مجازند اموال آنها را مصادره کنند.

ما میگوئیم در تمام مواردی که آنها توده ها مجازند و خود دارند، دست به مصادره بزنند بلکه دقیقاً خصوصیت

### از نظر آیت الله خمینی

بقیه از صفحه ۱

یک تا زبانه بر کسی زده بشود برخلاف مصالح اسلامی من از آنها بری هستم.

بررسی این بخش از سخنان آیت الله خمینی بدان جهت قابل اهمیت است که ایشان موضع صریح و قاطع خود را در مقابل مسائل مهمی چون مصادره سرمایه داران توسط کارگران، مصادره انقلابی زمینهای زمینداران بزرگ توسط دهقانان فقیر، و مصادره خانه ها و آپارتمانهای خالی سرمایه داران و فراربان وطن فروش توسط توده های زحمتکش شهری روشن می کند. زیرا آنچه که آیت الله خمینی بر آن تأکید دارد، و بعنوان "غصب" مصادره و غیره و ذالک از آن نام میبرد، همانا بیانگساز درگیریها و مبارزاتی است که از مدتتها پیش میان کارگران و زحمتکشان شهری علیه سرمایه داران و مبارزات دهقانان و زحمتکشان روستا علیه زمینداران وجود داشته و خود را بصورت مصادره انقلابی زمینها، خانه ها و آپارتمانهای سرمایه های سرمایه داران نشان داده است. مدتتها جنابهای اصلی هیئت حاکمه یعنی لیبرالها و سردمداران حزب جمهوری اسلامی در برابر اقدامات و ابتکارات انقلابی توده ها در زمینه مصادره انقلابی ایستادند و حتی به سرکوب قهرآمیز توده ها متوسل شدند، اما این سیاست علیرغم تمام فشارها نتوانست بطور کلی اقدامات و ابتکارات انقلابی توده ها را درهم بشکند. بنا بر این اکنون مدتی است به شیوه ای دیگر متوسل شده اند و فتوای پی در پی در این مورد صادر می شود. فتوایهایی که دقیقاً در جهت تأیید و منافع سرمایه داران و زمینداران است. چندی پیش آیت الله ربانی شیرازی صریحاً از زمینداران بزرگ در برابر دهقانان دفاع کرد، و اقدامات انقلابی دهقانان را برخلاف موازین اسلامی اعلام کرد. پس از آن آیت الله منتظری نیز فتوای خود را در این زمینه صادر کرد و اکنون آیت الله خمینی از "غصب" و "مصادره" سخن بمیان می آورد و علیه غاصبین و مصادره کنندگان فتوی میدهد. گرچه این مسئله برای ما روشن است که روی سخن آیت الله خمینی با کدام اقسام طبقات جامعه است. اما ایشان باید منظور خود را از این عبارات برای توده های زحمتکش مبین مصادره بویژه کارگران و دهقانان روشن کنند و با این سئوالات پاسخ دهند که:

آیا سرمایه دارانی که سرمایه ها و چیزی جز شمره و استثمای روستا و تجارت کارگران نیست و در حقیقت سرمایه داران بخش از مزد کارگران است که به آنها پرداخت شده و بمرور در دست سرمایه داران انباشته شده است، غاصب است، یا نه؟ و اگر غاصب است، آیا کارگران حق دارند سرمایه سرمایه داران را نیز مصادره کنند؟ فدائیان خلق میگویند: "غاصب" سرمایه داران اند، که شمره کار کارگران را بجهت زده اند، این حق مسلم کارگران است که سرمایه، سرمایه داران را مصادره کنند؟

### محافل امپریالیستی با شایعه پراکنی و دروغ پردازی علیه جنبش مقاومت خلق کرد توطئه می کنند

اخیرا رادیوهای آمریکا، اسرائیل و بخش های کردی و عربی را دیو عراق شایع کرده اند که از روز ۲ بهمن (یعنی سالروز اعلام جمهوری خودمختار کردستان توسط شهید قاضی محمد در سال ۱۳۲۴) - گروه های سیاسی در کردستان اعلام خودمختاری خواهند نمود. هدف از این شایعات محافل امپریالیستی و رژیم های وابسته به امپریالیسم است که در جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های سراسر ایران خرابکاری کرده و جنبش مقاومت خلق کرد را از جنبش سراسری خلق های ایران جدا نمایند. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با تاکید بر رسمیت شناختن حق تعیین سرنوشت برای خلق کردها همه خلق های تحت ستم ایران اعلام میدارد: هرگونه تلاشی در جهت جدا کردن مبارزه خلق کرد از مبارزه سراسری خلق های ایران، مغایرتا مین وحدت مبارزاتی بقیه در صفحه ۱۵

### اطلاعیه دفتر سید عزالدین حسینی درباره

تکذیب خبر "راديو صداي آمريکا"

رادیوی امپریالیستی "صدای آمریکا" در برنامه "خبری چهارشنبه شب" و با مدار روز پنجشنبه ۵۹/۱۰/۱۱ خود خبری با این مضمون پخش کرد: "زهربران کردستان در نظر دارند که در ۲۲ از توبه (۲ بهمن) اعلام خودمختاری نمایند و...".  
شیخ عزالدین حسینی... اعلام داشته است که ارتشها شایعش ایران که از افسران فراری وابسته به رژیم سابق تشکیل شده است با ما همکاری میکنند...  
دفتر سید عزالدین حسینی لازم میداند موارد ذیل را در این رابطه با اطلاع هم میهنان مبارز و خلق رزمنده کرد بزرگان:

- ۱- موضوع مربوط به ارتش یا صلاحدیدها شایعش ایران و افسران فراری کذب محض بوده و ما موستان و نزدیکان ایشان هیچگاه چنین مطالبی اظهار نداشته اند.
- ۲- مطالب خرافاتی عمداً طوری بیان شدند که چنان برداشت شود که کوی ما موستان شیخ عزالدین هم در مساله شایعه اعلام خودمختاری در ۲ بهمن نظر و دخالتی ندارند. بدین وسیله اعلام میداریم که ما موستان با موضوع اعلام یا صلاحدیدها شایعش ایران که از طرف محافل و رادیوهای ارتجاعی و امپریالیستی شایع شده است هیچگونه ارتباطی ندارند.
- ۳- خلق قهرمان کرد و کلیه آزادیخواهان ایران که ما هیت سیاستهای امپریالیسم و عناصر فراری و خود فروخته را بخوبی میشناسند مسلماً میدانند که این خبر در خدمت چه سیاستهایی است و رادیوهای ارتجاعی و "راديو صداي آمريکا" یا بخش این اکاذیب سعی در مخدوش کردن اذهان عمومی نسبت به مبارزه عادلانه خلق کرد دارند.

دفتر سید عزالدین حسینی ۵۹/۱۰/۱۲

### رژیم جمهوری اسلامی ۱۶ میلیون تومان برای تجهیز و تزئین دفتر ریاست جمهوری اختصاص می دهد، در حالیکه:

میلیونها نفر از توده های زحمتکش ایران در زاغه ها و کودها و بیعوله ها زندگی میکنند و در کناره ها و کوچه ها و فقر و بدکمی گرسنگی و سرما جان می دهند، بیکاری و کرانی و فقر بدکمی کارگران را به نیستی کشانده است، صدها هزار کودک مدرسه ندارند و هر روز صدها نفر از زحمتکشان در پشت درهای بسته بیمارستان ها جان میسپارند، این جنگ خانمانسوز هستی میلیونها جنگ زده را به تساهلی کشانده است و...  
۱۶ میلیون تومان هزینه تجهیزات و تزئینات دفتر ریاست جمهوری مساوی است با حقوق یکماهه ۸۰۰۰ کارگر، مساوی است با هزینه ساختن ۱۶ دبستان و دبیرستان مجهز به شوقا و کولریا ۴۰۰ متر مربع زیر بنا، مساوی است با ۱۷۰ خانه ۶۰ متری ارزان قیمت برای زحمتکشان، مساوی است با یک بیمارستان ۵۶ تختخوانی با تجهیزات کامل و اتاق عمل، مساوی است با... مساوی است با...  
حوزه کار محلی - سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بسم الله تعالی  
شماره: .....  
تاریخ: .....  
پست: .....

شماره ثبت: .....  
شماره ثبت: .....  
شماره ثبت: .....

لايه قانونی الحاقی به لایحه قانونی تأسیس دفتر رئیس جمهوری اسلامی ایران

ماده واحده: چون بموجب شماره ۲ لایحه قانونی تأسیس دفتر رئیس جمهوری اسلامی ایران مورخ ۵۸/۱۱/۱۳ با نگاه افسران برای تأسیس دفتر رئیس جمهوری اختصاص داده شده بنظر تکمیل کارهای ساختمانی و جویه میاری (شامل تخریب بازسازی و تزیینات و سرکاشی و آبجی و حفاظت و تجهیزات و دکوراسیون و غیره) سه روز بر مسکن و شهرسازی اجازه داده میشود که از نظر سرعت بخشیدن و هماهنگ نبودن مسائل طرحی و اجرایی و استخدام کادرفنی و تخصصی بنظر محاسبات اجراء و نظارت، پروژه مذکور با اعتباری معادل ۱۶۰ میلیون ریال خارج از چهارچوب مقررات و تشرفات قانونی محاسبات عمومی، برنامه بودجه و ضوابط آئیننامه معاملات دولتی و تبصره ماده ۸۰ قانون بودجه سال ۱۳۵۶ کل کشور بهر نحو که مقتضی بداند انجام برساند.

تیمار ۱- سازمان برنامه بودجه اعتبار مذکور از محل اعتبارات طرحهای عمرانی شاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تأمین و در اختیار وزارت مسکن و شهرسازی قرار خواهد داد.

تیمار ۲- در مورد سایر مواردی که در فوق بان اشاره نشده وزیر مسکن و شهرسازی مجاز باشد اتخاذ تصمیم نموده اقدامات مقتضی بعمل آورد. /

سید ابوالحسن بنی صدر  
رئیس جمهوری و رئیس شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران

### پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

Langar Kamp - 5000 - St. 25